

رفیق رضی الدین تابان ، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شهادت رسید

تهران دستگیر شده بود و در تمام سه سال و نیم گذشته مداوماً تحت فشارها و شکنجه‌های شدید قرار داشت. مقاومت وی در برابر شکنجه‌گران از نمونه‌های بیمانند پایداری و استقامت بود. در تشریح کار، ارکان مرکزی سازمان در سال ۸۴ نسبت به خطری که جان این فدائی خلق را تهدید می‌کرد هشدار داده شده بود. در ماه اوت سال جاری، بقیه در صفحه ۲

در او اسطماه ستامبر، رژیم جمهوری اسلامی، رفیق رضی الدین تابان، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را تیرباران کرد. او همراه با بیش از ۵۰ نفر از کادرها و فعالین جنبش انقلابی ایران به جوخه اعدام سپرده شد. در میان این گروه از اعدام شدگان علاوه بر رفیق تابان، عده‌ای دیگر از کادرهای سازمان مانیز وجود دارند. رفیق رضی الدین تابان در ماه مارس سال ۸۲ در

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۴ برابر ۷ اکتبر ۱۹۸۵
پیاپی ۶۰ - ریال - سال دوم - شماره ۷۷

زننده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

گزارش‌های تازه‌ای در همین مورد از آلمان فدرال، دانمارک، هند، یونان، استرالیا و کانادا مبادرت می‌ورزیم.

آلمان فدرال

جنگ ایران و عراق باید پایان یابد!

* کلمه: به دعوت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان فدرال و حزب توده ایران - آلمان فدرال، در روز شنبه ششم مهرماه، به مناسبت پنجمین سالگرد بقیه در صفحه ۶

در پنجمین سالگرد جنگ جنابیتکارانه ایران و عراق که رژیم اهریمن خوی خمینی برای تداوم آن نعره می‌کشد، مردم بسیاری از کشورهای جهان شاهد بر پایی اجتماعات و تظاهرات فدائیان خلق، توده‌ایها و دیگر نیروهای صلح دوست علیه این عفریت آدمخوار بودند. بانته بلند "زننده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!" در همه جا طنین انداز بود. در شماره‌های گذشته گزارش‌هایی از چند کشور مختلف را درج کرده بودیم. در این شماره به درج

باز هم خبر از يك تیرباران جمعی آمد!

درهم پیچیدند، شکاندند و نشکستند... رضی در میان آنان بود. عده‌ای دیگر از کادرهای سازمان مانیز در میان این جمع دلاور بودند. در میان این جمع که دستچینی از رزمندگان سازمانهای انقلابی مختلف بود. می‌دانستیم که رضی را اعدام می‌کنند. خبرش را همگان داشتند. هر کس از ژندان خبری می‌آورد، از رضی نیز می‌گفت. بسیار شکنجه‌اش کردند، بارها روانه بیمارستانش کردند تا برای شکنجه‌های بیشتر میبایش سازند. بالاخره حاصلی نترفتند: رضی و شکستن؟ ممکن نبود. فرمان اعدامش را صادر کردند.

اما زهی خیال باطل! چه کسی را می‌خواهند بترسانند؟ غیر اعدام به مردم که رسد، در واقع پیام تیرباران شدگان است که قنبراهای بی‌لرزان و نه بقیه در صفحه ۲

باز هم خبر از یک تیرباران جمعی آمد. سر رشته داران سلسله مرگ و تباهی لب جناباندند که بشکند! در خیما خنده‌ای بهیمی بر لب آوردند؛ برق چنون در چشمهایشان درخشیدن گرفت؛ هجوم آوردند و کلید در قفل سولها چرخاندند. برخیزید! ما منادی مرگیم! آمده‌ایم که انتقام بستانیم، انتقام از مقاومتان، انتقام از پایمردیتان، انتقام از وفاداریتان به آرمانهای خلق و انقلاب!

سرود خوان رفتند و سرافراز، دستهایشان بسته بود تا در هم گره خورند و نماد وحدت باشند؛ اما قنبرهایشان با یکدیگر بود و آن هنگام که صدای گام استوار یاران دیگر را می‌شنیدند، کلام مشترکی در ذهن تک نشان می‌پر خنید: چه بسیاریم ما! چه استواریم ما! چه سرافرازیم ما! بر خاک افتادند اما نیفتادند،



صحنه‌ای از تظاهرات ضدجنگ در شهر کلن - آلمان فدرال

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۸

جمهوری اسلامی و قاچاقچیان اسلحه

هراز چند گامی، مطبوعات غرب و به ویژه جرائد آمریکا، گوشه‌هایی از روابط بین محافظ نظامی آمریکا و جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی، دستگیری فلان پاند معامه‌گر اسلحه... بر ملا می‌سازند. طبیعی است که همه این عناوین برای برده پوشی مناسبات جاری بین این محافظ نظامی دولت آمریکا و جمهوری اسلامی، بکار گرفته می‌شوند. از عقل و خرد به دور است که تصور شود دولت بقیه در صفحه ۱)

دیپلک حزب سوسیالیست استرالیا در مصاحبه با "اکثریت"

ما با کسانی که برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق می‌کوشند همراهیم

مبارزه در راه صلح و پیشرفت جنبش کارگری پرداخت. وی و سایر همزمانش در دهه ۷۰ پس از آنکه مبارزه درون حزبی برای بازگرداندن حزب به مواضع اصولی و به صفوف احزاب برادر نتیجه‌ای نداد، در سال ۱۹۷۱ حزب سوسیالیست استرالیا را تشکیل دادند. از هنگام تاسیس حزب سوسیالیست استرالیا، رفیق سیمون عهده‌دار وظیفه دبیر اول کمیته مرکزی این حزب بوده است. وی هم اکنون ۶۲ سال دارد.

بقیه در صفحه ۱۳

در ادامه مصاحبه‌های "اکثریت" با رهبران نمایندگان احزاب و سازمانهای کمونیست و ترقیخواه جهان، در این شماره مصاحبه خود را با رفیق پیتر سیمون دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا (حزب برادر) درج می‌کنیم.

رفیق پیتر سیمون فعالیت انقلابی خود را از سن ۱۶ سالگی شروع کرد. وی پیش از آغاز جنگ جهانی دوم به حزب کمونیست استرالیا پیوست و در صفوف این حزب به

تاثرات انقلاب - تاثیر ارتجاع

رژیم ستشامی بنا به خصانت‌ها و ویژگی‌هایش همواره در تباخ و ترویج آن نوع از هنر میکوشید که زمینه را برای تخدیر، تحنق و فریب توده‌ها فراهم سازد به همین سبب هنر واقعی تاثیر که در خدمت مبارزات خلق‌ها می‌باشد، در آن دوران نتوانست امکانات، تجربه و پشتوانه لازم را به دست آورد. "هنری" که با عنوان "تاثرات" رسمیت داشت و مورد بقیه در صفحه ۱)

جمهوری اسلامی و
عرصه آگاهی اجتماعی

در صفحه ۱۲

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

زندگینامه "رضی" قهرمان

رفیق "رضی الدین تابان" در سال ۱۳۲۲ در بخش "بیدخت" از توابع شهرستان گناباد در یک خانواده متوسط متولد شد. پدرش معلم و خانواده‌اش با فرهنگ بود. "رضی" فعالیت سیاسی را از دوران دبیرستان در مشهد آغاز کرد.

هنگامی که در سال ۴۹ وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد، در کنار فدائیان خلق رفیق شهید محمود نمازی، رفیق شهید منصور فرشیدی و رفیق دربند رژیم انوشیروان لطفی دور تازه مبارزه را آغاز کرد. از همان آغاز، بدلیل جسارت، اعتقاد راسخ و تحرک چشمگیرش، در مرکز فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشگاه قرار گرفت و خیلی زود از چهره‌های برجسته جنبش دانشجویی شد.

بدنبال حماسه سیاهکل و تیرباران رهبران فدائیان خلق، دانشگاه‌های کشور در آغاز سال ۵۰ تظاهرات وسیع و پیر دامنه‌ای را شاهد بودند. رفیق رضی به اتهام سازماندهی این تظاهرات در اردیبهشت ماه همین سال دستگیر شد. اما پس از یک سال شکنجه و بازجویی، ساواک نتوانست حرفی از زبان او بشنود. پس از آزادی از زندان بدلیل دستگیری عده‌ای از رهبران جنبش دانشجویی، وظایف سنگین تری به دوش رضی قرار گرفت. آموزش انقلابی در زندان، تأثیری جدی در فعالیت انقلابی رفیق برای

سازماندهی و هدایت مبارزات دانشجویی علیه رژیم دیکتاتوری شاه و در راه تلاش وی برای پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای مردم بجای گذاشت. رفیق با انجام پیروزمندانه مسئولیت‌هایش توانست تجارب فراوانی در کار مخفی انقلابی و فعالیت توده‌ای بیاندوزد.

رفیق باز دیگر در بهمن ۵۲ دستگیر شد و یکسال تمام زیر بازجویی بود. از رضی اطلاعاتش را در باره شبکه‌های انتشارات و پخش، ارتباطات سازمان با دانشکاه و رهبران مبارزات دانشجویی می‌خواستند. "رضی" در مقابل این شکنجه‌ها ایستادگی کرد آثار شکنجه‌های این دوران در تمام سالهای بعد در بدن رضی باقی مانده بود. رضی در زندان شاه هم از ستون‌های مقاومت بود و بدلیل سوابقش در کار انقلابی و تظاهرات همواره از مسئولین تشکیلات فدائیان خلق در زندان شاه بود. زندگی در زندان از نمونه‌های درخشان ایستادگی و مقاومت بود.

هیچکس چهره رضی را حتی یک روز هم بدون خنده نمی‌دید. صفای معنوی مبارزان کمونیست را همواره در چهره داشت. همیشه جوانان زندانی، رضی را نزدیکترین رفیق و یاور خود می‌دانستند. رضی نمونه مبارزه و اعتراض زندانیان سیاسی علیه رژیم شاه بود.

در مرداد سال ۵۴، که دوران محکومیتش به پایان رسید، به "جرم" اینکه هنوز بر عقایدش استوار مانده است، وی را آزاد نکردند. در سال ۵۵، بار دیگر به "اتهام" فعالیت سیاسی و ایجاد گروه در زندان تجدید محاکمه و به ۴ سال دیگر محکوم کردند و تا زمانی که انقلاب فرزندانش را از زندان‌های بیرون کشید در زندان بود.

از لحظه خروج از زندان، مجدداً در ارتباط با سازمان قرار گرفت و بی ریزی و هدایت دانشجویان پیشگام بر عهده رفیق گذاشته شد. خانه کوچکی که رضی در آن زندگی می‌کرد، مرکز تصمیم‌گیری و رهبری همه تظاهراتی بود که در آستانه قیام ۲۲ بهمن توسط فدائیان خلق انجام می‌گرفت. رفیق رضی الدین تابان از جمله سازمان دهندگان تظاهرات بزرگ (۲۱ بهمن ۵۷) بود که به گسترش قیام مسلحانه خلق انجامید.

پس از انقلاب، مسئولیت سازمان دانشجویان پیشگام را بر عهده داشت و در تشکیل سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثرت) نقش برجسته‌ای ایفا نمود. در سازمان جوانان دبیر کمیته مرکزی و مسئول کمیته ایالتی جوانان تهران بود و در عین حال در هیئت اجرایی کمیته ایالتی تهران سازمان فدائیان خلق ایران بود.

تمامی رفقای که با رضی کار می‌کردند، از سخت‌کوشی و ایثار او در راه انقلاب و مبارزه، در سبای فراوانی می‌آموختند. رفیق تابان به پاس خدماتش به مردم و انقلاب و سازمان و به خاطر استواریش در مبارزه در پلنوم خرداد (۶) کمیته مرکزی سازمان به عضویت مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) درآمد.

رفیق رضی بعد از ظهری یکی از روزهای اسفند ماه سال ۶۰، توسط گشت سپاه دستگیر شد. وی را به سرعت شناختند، زیرا که از سرشناس‌ترین چهره‌های مسئول سازمان در بعد از انقلاب بود. این بار رفیق رضی الدین تابان دوره تازه‌ای از نبرد خویش علیه ارتجاع را در زندان جمهوری اسلامی آغاز کرد. از همان آغاز تحت فشار شدید شکنجه‌های گران رژیم قرار گرفت. هنگامی که در بهمن ۶۱ پیورش به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) شروع شد، رضی را دوباره به شکنجه‌گاه کشاندند. این بار دژ خیما تلاش می‌کردند تا رضی را نبرد کنند و به جایی بکشانند که به عقایدش، کوه انقلابی‌اش و سازمان خود پشت کند. اما حتی زمانی که پشتش را زیر رکهار شلاق‌ها خرد می‌کردند، محکم و استوار ایستاد. ● (به نقل از کار شماره ۱۹)

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در اروپای غربی

بقیه از صفحه اول

مؤذنی‌پور، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان بدنبال شکنجه‌های ممتد مامورین جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد. اکنون نگرانی نسبت به خطری که جان گروهی دیگر از اعضا رهبری و کادرهای مسئول سازمان ما را تهدید می‌کند افزایش بیشتری یافته است. در این میان پویژه باید از رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) نام برد که از سال ۸۲ تاکنون زندانی است و رژیم از دادن هرگونه خبری پیرامون وضعیت او در زندان سر باز می‌زند.

نماینده‌ی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در اروپای غربی

۶ اکتبر ۱۹۸۵ ●

شرفی ستارگان

خواهم گریست

اگر بخواهی که بگیرم

خواهم گسست

اگر ترانه مرگ را بخواهی شنید

از من بخواه اما

که فراموش کنم نام آنان را

عشق را به آهی بدل خواهم کرد

اشک را به آهی بدل خواهم کرد

لبخند را به آهی بدل خواهم کرد

— اگر فرمان چنین کنی!

از خاطر اما نتوانم زدود

رنگ آن ستارگان شرقی را

شهرها را بخواه تا بشورم

رودها را بخواه تا بگردانم

مرزها را بخواه

تا بشویم از فواصل ملتها

فراموش نمی‌توانم کرد اما

عطر آن سنبله‌های غم‌تین را

شعری تو انم سرود که خنجر بی باشد

خنجر بی تو انم ساخت که دسته کلی باشد

از شبنم پیشانی‌ها

که کشتانی خواهم آفرید

و از بازوی کارگران

آفریدگاری

مرکز نمی‌توانم اما

نام آنان را چون پرنده‌ئی

به بادها بسپارم

که آنان

جستجوگر آزادی بودند

اما

در زندانها زاده شدند

و در زندانها

مردند

مانی

جهان جمهوری اسلامی را تقبیح می کند

با انتشار خبر اعدام قریب الوقوع گروهی از کادرها و اعضای رهبری سازمان ما، در سطح جهان کارزار همبستگی با فدائیان اسیر بر پا شده است. نیروهای مترقی و دمکرات در کشورهای مختلف در پشتیبانی از مردم ایران و همبستگی با سازمان، جمهوری اسلامی را تقبیح کرده اند. به منظور نجات جان فدائیان دربند، اقدامات متعددی صورت گرفته است. اما همانگونه که در این شماره می خوانید رژیم رسوای خمینی که چندی پیش حکم اعدام رفیق رضی الدین تاپان را صادر کرده بود بالاخره این حکم نشتین را به اجراء آورد و رفیق رضی را همراه با گروهی دینس از همزمانش به شهادت رساند.

در ادامه انتشار اخبار مربوط به همبستگی جهانی با فدائیان سیاسی ایران و فدائیان اسیر در این شماره چند گزارش دیتیرامی خوانید.

آمده است که "گروه منطقه ای اتحادیه حقوقدانان دمکرات در دورتموند از طریق نامه ای که به سفارت ایران در بن ارسال داشت، علیه موج اعدامهای جدید زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی اعتراض نمود.

این اتحادیه شکایت خویش از وضعیت زندانهای ایران را نیز ابراز کرد. تقاضای حقوقدانان شامل پذیرش ناثرین بین المللی در تمامی محاکمات، رعایت حق زندانیان مبنی بر داشتن وکیل مدافع، پایان دادن به تمامی روشهای شکنجه و قطع فوری تدارک و اجرای احکام اعدام می باشد."

برلین غربی

روزنامه "وارهایت" ارگان حزب سوسیالیست متحده برلین غربی

نیز در شماره ۲۹ اوت خود به خبر صدور احکام اعدام فدائیان اسیر پرداخته و نوشته بود: دادگاهها در جمهوری اسلامی از یک قاضی تشکیل می گردند که گاه نقش دادستان را نیز ایفا می کند. متهمان خود مسجور به دفاع از خویش مستند و محاکمات پشت درهای بسته انجام می شوند.

سوئیس

* در شماره ۲۶ سپتامبر روزنامه "به پیش" ارگان حزب کار سوسییس مطلبی پیرامون صدور احکام اعدام برای چهار تن از رهبران سازمان و جمعی از مسئولین حزب درج گردیده است. این روزنامه ضمن تقبیح تبهکاری های رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رفقا مودنی پور، منصور پورجم، مرتضی میثمی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و رفقا حسن قزلبچی، رضا محمدزاده و فرقانی از حزب توده ایران اشاره می کند.

بازهم خبر از یک تیرباران جمعی آمد!

بقیه از صفحه اول

بیم از مرگ پیام روشن است. رژیم می خواهد از دل جوخه های اعدام، بن بست ناکزیر خود را بشکند. اعدام ما خبر از جهن مرتجعین سیاه دل دارد. آرمان ما زنده است. و تاریخ، پیروزی محترم زندگی را بر مرگ، زندگی پشیمان را بر مرگ آوران و انقلاب را بر ارتجاع، رقم زده است. به راستی که چنین است. رژیم می خواهد با رشته هایی از گلوله، در سرگامهای خونین جوخه های اعدام، امروز را به فردایش بدوزد و پیوند زند. اما چه تلاش بی حاصلی! چه تقلای محکوم به شکستی! چه می کنند با رزم میلیونها؟ چه می توانند کنند با پتک فولادین رنج که دم بدم از بازوان ستر کارگران و زحمتکشان، نیروی بیشتری برای درهم شکنن می گیرد؟ چه می توانند کنند با خیل انقلابیون که صد صد و هزار هزار می تازند تا پرچم پر خاک افتادگان را از زمین برگیرند؟ چه می توانند کنند با شکافی که در بنای ست بنیادشان افتاده است؟ چه می توانند کنند با بی آبرویی شان در مراسم جهان؟

رضی تنها یک نمونه است. او را بسیار کسان می شناختند. از زندانیان سیاسی نام آور زمان رژیم مرتنون شده پیشین بود. بعد از انقلاب، کار اصلی او در میان جوانان و نوجوانان بود. اینان که او برایشان سرمشق و مربی و مسئول بود و همه کسانی که رضی فدایی را می شناختند، خبر

"به پیش" با استناد به اعلامیه کمیته مرکزی سازمان می نویسد: در قوانین جزائی جاری در ایران که فدائیان و توده ای ها بر اساس آنها محکوم گردیده اند، زندانیان سیاسی بعنوان "بیگانه"، "محارب با خدا" و مفسد فی الارض محکوم می شوند. مجازات چراشی که با این عناوین مطرح می شوند شدید و عمدتاً مرگ است.

هندوستان

* از طرف "مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان" در تاریخ ۱۲ اوت نامه ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور، به سفارت ایران در دهلی نو ارسال گردید که در آن علاوه بر ابراز نگرانی از توطئه جنایتکارانه رژیم، به احکام صادره در بیدادگاههای خمینی و احکام صادره برای رهبران و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران اعتراض گردیده است.

در این نامه که به امضای سامان موکرچی، دبیر کل مرکز اتحادیه ها رسیده است، چنین می خوانیم: ما همبستگی خود را با خلق مبارز ایران ابراز می داریم و تقاضای آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی را داریم.

آمریکا

* سیاتل- واشتنتن، در اواخر ماه اوت چهار سازمان سیاسی مترقی و آزادیخواه در شهر سیاتل، با ارسال تلگرافی به دفتر حفاظت منافع رژیم ایران مخالفت خود را با جنایات جمهوری، اسلامی ابراز داشته و خواهان آزادی زندانیان سیاسی شده اند متن تلگراف و اسامی این سازمانها به شرح زیر است:

"ما خواهان قطع شکنجه های غیر انسانی و وحشیانه و ابطال احکام اعدام رهبران سازمان فدائیان (اکثریت) و حزب توده هستیم. همچنین مخالفت خود را با محکومیت های سنگینی که به اعضای تشکیلات دموکراتیک زنان ایران داده شده است، ابراز می داریم. ما خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی هستیم."

- ۱- لیت بین المللی زنان
- ۲- سازمان زنان هوادار صخ در سیاتل
- ۳- شورای دموکراتیک در ایالت واشتنتن
- ۴- کمیته همبستگی با مردم نیکاراکوه

اعدامش را که بشنوند، چه حالی خواهند داشت؟ چه گران نگرانی رژیم برای خود خریده است! چه بهای سنگینی که باید برای اعدام هزاران رضی بپردازد!

رضی یک فدایی خلق بود. آن هنگام که پا در میدان رزم نهاد، آموخت که شرف فدایی بودن، وفاداری تا به آخر است، فداکاری تا به آخر است. او به این درس تا به آخر وفادار ماند.

رضی درس فدایی بودن را از نسل اول فدائیان آموخته بود. او خود آثرا به دیگران می آموخت و اکنون این بزرگترین درس اوست، سینه ات را در برابر گلوله ها سپهر کن، اما نگذار دشمن به گنجینه ای که در آن نهان کرده ای دست یابد! راز راه خاک سپهر اما به دشمن نه! پیش از او همین او! او! مودنی پور، میثمی، پورجم، و قانع این درس را پس داده بودند و پیش از آنان صد هانفرد دیتیر. چه سلسله شکوهمندیند اینان! چه تابناک است کپکشان این ستارگان درخشان!

جوانانی که رضی مسئولشان بود غوغا می کنند. شعل رزم فدائیان خلق را فروزانتر و شعله ور تر می سازند. همزمان رضی در همه جا، در کارخانه، در مزرعه، در زندان، آرمان او را، آرمان همه شهدای به خون تهیه خلق را زنده تنه می دارند. پیروزی از آن توده هاست! پیروزی از آن وفاداران به آرمان خلقهاست!

جمهوری اسلامی بسیار خوب است، و هیچ مشکل و نارسایی در این زمینه وجود ندارد. موسوی مدعی شد که "ما در کوتاه مدت صدور نفت خودمان را آسیب ناپذیرتر خواهیم ساخت" و میراث‌های خریداری شده از سوی عراق بلا استفاده خواهند ماند.

نورپخش، رئیس بانک مرکزی نیز مدعی شد که میزان درآمدهای ارزی سال ۶۴، قابل وصول می‌باشند. وی اظهار داشت که درآمد نفتی جمهوری اسلامی در مهر ماه ۱/۶ میلیارد دلار بوده است و در تمام ماه‌های بقیه سال نیز در حد ۱/۴ میلیارد دلار خواهد بود و این مقدار در آمد ارزی را کافی دانست.

لازم به یادآور است که دولت جمهوری اسلامی، به علت مشکلات ارزی ناشی از کاهش صدور نفت، هفته گذشته حتی ارز مسافرتی عادی را تا اطلاع ثانوی قطع کرده است. محسن نورپخش میزان ارز مسافرتی عادی را بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار اعلام کرد.

خمینی:

تغییر دولت موسوی را به صلاح نمی‌دانم

به دنبال اوج گیری اختلافات و درگیری‌های درون حکومت، پیرامون گزینش دولت که در هفته‌های قبل وسیعاً در رسانه‌ها نیز انعکاس یافت، ۱۲۵ تن از نمایندگان مجلس ملی نامه‌ای به خمینی، از وی کسب نظر کردند. قبل از انتشار بیرونی این نامه و پاسخ خمینی، روزنامه کیهان در مقاله خود، خبر ابتقای دولت فعلی را منتشر ساخته بود.

خمینی در پاسخ به نامه نمایندگان مجلس اظهار داشت: "به بعضی از آقایان عرض کردم آقای مهندس موسوی را شخصی متدین و متعهد و در وضع بسیار پیچیده کشور دولت ایشان را موفق می‌دانم و در حال حاضر تغییر آن را صلاح نمی‌دانم ولی حق انتخاب با جناب آقای رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم است."

این حکم خمینی قلعاً موقعیت موسوی را که در هفته‌های قبل شدیداً متزلزل شده بود، دگر باره قوام بخشیده است. اما با وجود این هنوز هم در میان هواداران ابقا دولت موسوی، نگرانی‌هایی وجود دارد. آنها مخالفین را با عواقب بی‌توجهی به نظر ولایت فقیه تهدید می‌کنند، یکی از آنان هشدار داد که میباید "بعضی‌ها با نظر امام مخالفت کنند و بعد از اظهار نظر صریح امام کسی نباید و بگوید نظر من اینست و من مخالفم."

جمع آوری عکس خمینی

دفتر خمینی طی اطلاعیه‌ای اعلام داشته است که، به دنبال سخنان خمینی با مسئولان رسانه‌های گروهی، از مسئولین مساجد تقاضا می‌شود که عکس خمینی را نصب نکرده و اقدام به جمع آوری آن نکنند. لازم به یادآور است که دو هفته قبل خمینی طی سخنانی از رسانه‌های گروهی، خواسته بود از چاپ و نشر سخنان و عکس او امتناع ورزند. وی چاپ و نشر عکس و سخنان خود را مشروط به اعلام موافقت قبلی خود کرد.

تصمیمات جدید شورایی قضایی

مقتدایی عضو و سخنگوی شورایی قضایی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، تصمیمات جدید این شورا را اعلام کرد و اظهار داشت: "با

صادرات نفت از این ترمینال، این مخازن در کمتر از یک ماه خالی خواهند شد. لازم به تذکر است که عراق مدعی شده است، چاه تازه مهار شده نوروز را مجدداً به آتش کشیده است. اخلاص در صادرات نفت ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که عراق با احداث یک خط لوله تازه از طریق عربستان سعودی، روزانه پانصد هزار بشکه نفت اضافی صادر می‌کند. این خط لوله در هفته گذشته آغاز به کار کرد. منابع ژاپنی نیز اعلام کرده‌اند که در خرید نفت از ایران تجدید نظر کرده و مایل به خرید نفت از عراق می‌باشند.

در ضمن باید افزود که نیروی دریایی جمهوری اسلامی در هفته گذشته، در ادامه سیاست توفیق و تجسس کشتی‌ها و شناورها در آبهای خلیج و آب‌راه‌های بین‌المللی منتهی به خلیج، سه کشتی آلمانی، پانامائی و یوگسلاوی را توقیف کرده است.

"... تقریباً مطمئنیم"

در همان حال که صدور نفت از ترمینال خارک متوقف شده است، حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه این هفته، با اشاره به حملات هوایی عراق به ترمینال نفتی خارک اظهار داشت: "با توجه به برنامه ریزی دولت و امکانات دیگری که در اختیار داریم، تقریباً مطمئنیم که دشمن قدرت قطع صدور نفت ما را ندارد، لذا احتمال بستن تنگه هرمز خیلی جدی نیست."

وی از سوی دیگر در ادامه سخنان خود، از مردم خواست تا با شرکت فعال در جبهه‌ها، در خدمت جنگ افروزی حکام جمهوری اسلامی قرار گیرند. در همین رابطه ستاد مرکزی سپاه پاسداران نیز طی اطلاعیه‌ای مردم را به شرکت در جبهه‌ها فراخوانده است. در اطلاعیه تاریخ مراجعه به مراکز بسیج سپاه پاسداران، ۱۵ مهرماه قید شده است. لازم به یادآوری است که رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته قبل از یک نیروی سه میلیونی، حاضر و آماده سخن رانده بود.

خسارات جنگی از زبان مسئولین

آقای حسن آخوندی، سرپرست ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده کشور، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، در کمال خونخوردی، گوشه‌هایی از خسارات این جنگ کثیف و ویرانگر را بیان کرد. وی عنوان کرد که میزان خسارات وارده به کشور ما از آغاز جنگ تا پایان اسفندماه سال ۱۳۶۲ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار بوده و در این رابطه به ۵۱ شهر و ۲۰۹۱ روستای کشور آسیب وارد آمده است. لازم به تذکر است که این اولین باری است که یکی از مسئولین جمهوری اسلامی، سپاه ویرانی‌ها و خسارات جنگی را تا این میزان اعلام کرده است. در ضمن باید افزود که بنابه نظر کارشناسان بین‌المللی و با احتساب ویرانی‌های سال ۶۴، جنگ شهرها و بیمارانهای جزیره خارک، میزان خسارات وارده، بسیار بیشتر از ارقام ذکر شده از سوی مسئولین جمهوری اسلامی است. لازم به ذکر است که رقم اعلام شده از سوی آخوندی، شامل هزینه‌های هتفت جنگ نمی‌شود.

اوضاع ارزی و اقتصادی کشور

در جلسه هیات دولت در هفته گذشته حسین موسوی نخست وزیر ادعا کرد که وضعیت اقتصادی

جنگ

در جبهه‌ها و مرزهای دو کشور، به جز حرکات و حملات محدود، حرکت دیگری گزارش نشده است. عراق اعلام کرده است که یک حمله ارتش جمهوری اسلامی را در نواحی شمال غربی ایران خنثی کرده و تلفات و خسارات زیادی به افراد و ساژوپرک جنگی ایران وارد ساخته است. خبر وقوع این حمله از سوی مقامات جمهوری اسلامی، پیش از آن، اعلام شده بود.

عراق در ضمن اعلام کرد که یک هواپیمای ایران را سرنگون کرده است. ستاد مشترک جنگ نیز خبر سقوط این هواپیمار در خاک عراق تایید کرد و در ضمن مدعی شد که طی هفته گذشته یک میراژ عراقی و دو هلی کوپتر ارتش این کشور را سرنگون کرده است. باید افزود که هواپیمای جمهوری اسلامی در جریان یک حمله به تاسیسات برقی در شمال بصره سقوط کرده است. در هفته گذشته، دو شهر آبادان و خرمشهر، تقریباً همه روزه زیر آتش سلاحهای سنگین و توپخانه عراق قرار داشته است که این حملات از سوی رسانه‌های جمهوری اسلامی تایید شده‌اند.

بررسی مسائل جنگ در سازمان ملل

ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در ادامه دیدارها، خود با وزرای امور خارجه کشورهای مختلف که در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل صورت می‌گیرد با وزیر امور خارجه مالزی ملاقات و گفتگو کرد. مسائل مورد بحث طرفین پیرامون کنفرانس اسلامی و اقدامات آن به منظور قطع جنگ و مسائل جنگ، دور می‌زد. در ضمن در مجمع عمومی سازمان ملل، شش کشور از جمله الجزایر و هند خواستار پایان بخشیدن به جنگ دو کشور شدند. وزرای امور خارجه این شش کشور از شورای امنیت سازمان ملل در خواست کردند تا مانع از فروش اسلحه به دو کشور شده و اقداماتی در راه قطع جنگ به عمل آورد.

توقف صدور نفت از جزیره خارک

در هفته گذشته نیز مرکز و محور اصلی جنگ، حوزه آبهای خلیج و پایانه نفتی خارک بوده است. نیروی هوایی عراق، تقریباً همه روزه بر آسمان جزیره تمارشده و تاسیسات این جزیره بی‌دفاع را بمباران کرده است. تعداد دفعات بمباران خارک طی هفته‌های اخیر به ۲۰ بار رسیده است. بمباران مستمر و شدید ترمینال نفتی خارک باعث شده است که جمهوری اسلامی صادرات نفت از طریق این جزیره را به مدت دو هفته و تا روز ۲۲ مهرماه متوقف کند. مسئولین جمهوری اسلامی، اعلام کرده‌اند که در عرض این مدت، ویرانی‌های تاسیسات نفتی این جزیره را ترمیم و بازسازی خواهند نمود. ولی بنابه گزارشات کارشناسان بین‌المللی نفت، آسیب و خسارات وارده به این ترمینال نفتی بقدری شدید است که جمهوری اسلامی به سختی خواهد توانست حتی به اندازه نصف ظرفیت سابق از این ترمینال استفاده کند. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که صادرات نفت جمهوری اسلامی از این ترمینال تا حد پانصد هزار بشکه در روز تنزل خواهد یافت.

مخازن نفتی اسکله سیری نیز از طریق نفت ترمینال خارک تغذیه می‌شوند و در صورت قطع



اعتصاب به خاطر افزایش دستمزد

مدیریت کارگاه رادیاتور ایران وعده داده بود که حقوق ماهانه کارگران این کارگاه را به ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان افزایش دهد. این وعده پس از مراجعات مستمر کارگران، بطور ناخوشایند به اجرا درآمد و حقوق کارگران فقط ۲۰۰ تومان افزایش یافت، این امر موجب اعتراض کارگران این کارگاه شد. کارگران با تهیه طوماری به وزارت کار و صنایع سنگین مراجعه کردند و چون نتیجه ای نگرفتند دست به اعتصاب زدند. مدیریت خبر وقوع این اعتصاب را به دادستانی اطلاع داد. ماموران مسلح سپاه به کارگاه آمده و دست به مائورهای تهدید آمیز زدند. اما کارگران تنها در قبال قول مساعد مدیریت حاضر بنگار شدند و عنوان کردند که در صورتیکه به خواسته هایشان ترتیب اثر داده نشود، اعتصاب را از سر خواهند گرفت.

فشرده گزارشی از یک شرکت حمل و نقل

در شرکت حمل و نقل فتح المبین قریب به ۴۰۰ نفر شاغل هستند. آنها از حداقل امکانات رفاهی بی بهره اند. حقوقی که به کارکنان این شرکت داده می شود، بسیار ناچیز است. بسیاری از کارگران و حتی برخی از رانندگان پایه یک را با حقوق کمتر از صد تومان در روز استخدام کرده اند. در ماههای اخیر در این شرکت بمنظور افزایش سطح دستمزد چندین بار اعتصاب صورت گرفته است. اعتصاب کنندگان علاوه بر ترمیم سطح حقوق، خواستار بهبود شرایط کار و بهبود کیفیت غذای شرکت گردیدند. این حرکات و اقدامات هنوز نتوانسته است نتیجه مورد قبولی برای کارکنان به بار آورد. آخرین حرکت اعتراضی در مرداد ماه صورت گرفت. ولی آن همه کارکنان تا چندین روز پشت سر هم از تحویل گرفتن غذای نامناسب شرکت سر باز زدند. با اینکه مدیریت شرکت از توجه به خواسته های برخی کارکنان سر باز می زند، آنها تصمیم دارند مبارزه متحد در راه دستیابی به مطالباتشان را دنبال کنند.

صنایع کشور، از کار بازمی ماند

در کارخانه صنایع شیمیایی قدس، تعداد ۶۰۰ کارگر، کار می کنند. این کارخانه را در تاریخ سوم مرداد ماه به علت کمبود برق تعطیل کردند و کارکنان و کارگران را بمدت ۲ هفته به مرخصی اجباری فرستادند. کارخانه صنایع شیمیایی قدس، به جز کمبود برق، از اوایل سال جاری با مشکل کمبود مواد اولیه نیز روبرو است.

انجمن اسلامی این کارخانه، به غایت ارتجاعی و فاسد است، اخیراً این انجمن با تقسیم ۵ اتومبیل سهمیه سالانه این کارخانه بین اعضای خود، موجبات نارضایتی و اعتراض کارگران را فراهم آورده است.

درگذشت یک کارگر مبارز

سندیکای کارگران کتابفروش که مخفیانه در کشور فعالیت می کند، اخیراً در خبرنامه خود موسوم به "صدای کتابفروش" خبر درگذشت مصد جزینی کارگر مبارز و یکی از فعالین این سندیکا را منتشر نموده است. در این خبرنامه، شرحی از کارگران سندیکا به یاد این کارگر مبارز نیز درج شده است.

کارنامه سپاه جمهوری اسلامی

در آموزش و پرورش

دبیرستان امیرکبیر شهر سلماس، یکی از بهترین دبیرستانهای منطقه می باشد. در این دبیرستان دانش آموزان رشته های تجربی و ریاضی تحصیل می کنند. نتایج امتحانات خرداد ماه امسال بی نظیر عق دانش ستیزی مسئولین آموزشی جمهوری اسلامی می باشد. از بین ۵۲۰ دانش آموز این دبیرستان، بیش از ۴۱۰ نفر تجدید و مردود شده اند. وضع دانش آموزان در دبیر مدارس کشور نیز چندان تفاوتی با وضع دانش آموزان این مدرسه ندارد.

اجرای کارگران

در شرکت آب منطقه ای بندرعباس از اوایل تیر ماه، مسئولین اقدام به اجرای تعداد زیادی از کارگران پروژه های آبرسانی میناب - بندرعباس و نیز سد خاکی کهورستان نموده اند. حدود ۶۰ نفر از کارگران پروژه طرح آبرسانی میناب - بندرعباس، با

پایان گرفتن کار این پروژه که حدوداً ۱۰ سال به درازا کشیده بود، اخراج شده اند. کارگران به اداره کار مراجعه کرده ولی نتیجه ای نگرفته اند، مدیر عامل شرکت علناً بیان می کند که مانده پول داریم به این کارگران بدهیم و نه تمایلی به این کار داریم. ۲۰ نفر از کارگران سد کهورستان نیز اخراج شده اند. مسئولین ضد کارگر اداره کار و وزارت نیرو و قیاحانه پیشنهاد می کنند که کارگران را با قراردادهای ۸۹ روزه استخدام کنند تا هنگامت اخراج، حقوقی به آنان تعاق نگردد.

اعتصاب دانشجویان دانشگاه شیراز

اکثر دانشجویان رشته رادیولوژی دانشگاه شیراز که از شهرهای دیگر برای تحصیل به این دانشگاه آمده اند، در تابستان امسال با مشکلات بسیاری مواجه شدند. این دانشجویان در تابستان امسال ناگزیر از کار در بیمارستان بودند، مسئولین دانشگاه با تعطیل سلف سرویس و حذف امکانات رفاهی و از چمنه وسایل پخت و پز، هر مشکلات این دانشجویان افزوده اند. این دانشجویان ناگزیر برای تغذیه خود از امکانات بیمارستان استفاده می کردند، ولی اخیراً به بهانه کثرت بیماران و شلوغی رستوران بیمارستان، از تحویل خوراک به دانشجویان خودداری بعمل آوردند. دانشجویان تصمیم گرفتند تا در اعتراض به این قبیل اعمال از کار عمی در بیمارستان امتناع ورزند. این تصمیم مورد استقبال همه دانشجویان واقع شده و بلافاصله به اجرا در آمد. در برابر این حرکت اعتصابی دانشجویان، مسئولین بیمارستان پس از یک هفته مجبور به عقب نشینی شده و تحویل غذا به آنان را تقبل می کنند. باید افزود که در طول یک هفته اعتصاب دانشجویان، تنها ۴ نفر از دانشجویان عضو انجمن اسلامی از این حرکت حمایت نکردند.

چون به جلوت می روند...

اخیراً به علت سوء استفاده مالی مسئولین بنیاد مستضعفان زنجان، این بنیاد تعطیل شد. در این دزدی عده ای از روحانیون نیز شرکت داشتند که از چمنه می توان از آیت الله ناصری، حاکم شرع زنجان نام برد. این سوء استفاده حدود شصت میلیون تومان برآورد شده است.

تجارت بزرگ و اردکننده اصلی کالا

هفته گذشته معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی اعلام کرد که در چهار ماه گذشته، بیش از ۴۱ درصد از واردات را بخش خصوصی برعهده داشته است. سهمیه واردات بخش خصوصی، بیش از دو برابر میزان واردات وزارت بازرگانی است و از مجموع واردات وزارت صنایع و وزارت صنایع ستین بیشتر است. در گزارش معاون بازرگانی میزان واردات وزارت بازرگانی ۲۰ درصد، و دو وزارتخانه صنایع و صنایع ستین مجموعاً ۲۶ درصد ذکر شده است.

آنچه که در گزارش معاون وزارت بازرگانی "بخش خصوصی" نامیده شده است همان تجارت بزرگ بازار هستند که طرف معامله کمپانی های صادرکننده غربی در ایران می باشند.

دو هفته قبل وجود یک باند رشوه خوار در مجتمع فولاد اهواز فاش شد و هفته گذشته چند شبکه رشوه خواری، و جعل اسناد در شرکت هواپیمایی هما کشف شد.

در گزارشی به همین مناسبت در جرائد کشور انتشار یافت، گوشه هایی از فعالیت گسترده این شبکه ها انعکاس یافته است. این شبکه ها در ازای دریافت رشوه اقدام به کارهایی از قبیل فروش غیر قانونی بلیط، رزرو چاه، اخذ ویزای کشورهای گوناگون و جعل اسناد می نموده اند. باز پرس شعبه ۲۱ دادسرای عمومی تهران که مسئول رسیدگی به دایره تخلفات این شبکه ها است، اظهار داشت: "عده ای متغلف از طریقی مرموز وارد جریان شده و اسناد ارزهای وارد به کشور توسط مسافریین را دستکاری می کرده اند."

توجه به اینکه کلیه امور مربوط به دانشگاهها به امر امام زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت، امر گزینش و پذیرش دانشجویان نیز به شورای عالی انقلاب فرهنگی محول شد و بر اساس این دستور العمل یک شعبه دادگاه انقلاب نیز که در دانشگاه مستقر بود منحل شد.

وی در ضمن عنوان نمود که طرح جایگزینی سازمان زندانها به جای شورای سرپرستی زندانها، آماده شده و به کمیسیون لوایح قضائی ارجاع گشته تا در زمینه تهیه لایحه آن اقدام شود.

رشوه خواری و جعل اسناد در "هما"

رشوه خواری و فساد اداری در جمهوری اسلامی بی داد می کند.

بقیه از صفحه ۱

آغاز جنگ ایران و عراق تظاهرات و میتینگ‌های در شهر کلن برگزار شد. در این تظاهرات بیش از شصده تن از ایرانیان مقیم آلمان فدرال شرکت جستند.

شعارهای "زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!"، "پيروزباد مبارزه خلق در راه سرتوئی رژیم جمهوری اسلامی ایران!" "جنگ ایران و عراق باید پایان یابد" و... که به زبان‌های فارسی و آلمانی بر روی پلاکاردها نوشته شده و پرزبان‌ها جاری بوده، بازتاب خشم و نفرت تظاهرکنندگان از رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی بود.

اصلی شهر کلن خوانده شد. از پیشنهادهای دبیر کل سازمان ملل متحد برای قطع حملات به مناطق مسکونی و متوقف ساختن حمله به کشتی‌های غیر نظامی در خلیج فارس، برقراری آتش بس در تمام نواحی چپه‌های جنگ و حل مسالمت آمیز موارد اختلاف به شیوه مذاکره پشتیبانی به عمل آمده است. در این قطعنامه بر همبستگی کمونیستهای ایران و عراق و سایر نیروهای دموکراتیک دو کشور در مبارزه علیه دو رژیم جنگ افروز تأکید گردیده است.



* فرانکفورت

- سازمانهای زیر از این تظاهرات حمایت کردند:
- ۱- حزب کمونیست آلمان فدرال
 - ۲- سازمان دموکراتیک زنان آلمان فدرال
 - ۳- نمایندگان حزب سبزها در مجلس ایالتی-برمن
 - ۴- انجمن کارگران ترک-کلن
 - ۵- اتحادیه صلح آلمان فدرال - سازمان ایالتی هسن
 - ۶- سازمان جوانان کارگر سوسیالیست-کلن
 - ۷- فدراسیون اتحادیه‌های کاریگری کرد (کومکار)- آلمان فدرال
 - ۸- اتحادیه دانشجویان مارکسیست-کلن و هامبورگ
 - ۹- جمعیت یونانیان مقیم آلمان فدرال-کلن
 - ۱۰- اتحادیه ضد فاشیستهای برمن
 - ۱۱- سازمان دموکراتیک زنان-کلن
 - ۱۲- سازمان دموکراتیک زنان-برمن
 - ۱۳- سازمان دموکراتیک زنان - هامبورگ
 - ۱۴- حزب زنان- آلمان فدرال
- در قطعنامه تظاهرات که در پایان میتینگ و در یکی از میدانیان

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

دانمارک

جنگ نه، صلح آری

از ۲۲ الی ۲۷ سپتامبر، در شهرهای کپنهاگ، آروس هولبک و هسینگنر دانمارک فعالیت‌های صلح طلبانه نیروهای مترقی ایران، عراق و دانمارک اوج تازه‌ای گرفت. این اقدامات که تحت عنوان "برنامه‌های هفته صلح"، انجام گرفتند، بازتاب خواست مردم ایران و عراق مبنی بر برقراری صلح بودند.

* آکسیون سه روزه ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر: آکسیون مزبور با تلاش مشترک فدائیان خلق ایران (اکثریت) - دانمارک و حزب کمونیست ایران - دانمارک و حزب کمونیست عراق - دانمارک برپا گردید.

طی این سه روز از طرف رفقای فدایی اعلامیه‌ها و تراکت‌هایی در رابطه با جنگ و ضرورت برقراری صلح پیرامون توطئه اعدام رفقا انوشیروان لطفی و رضی‌الدین تابان و نیز تراکت‌های مشترکی با رفقای حزب توده و حزب کمونیست عراق توزیع گردید.

مردم دانمارک با استقبال از این حرکت، انزجار خود را از رژیم مفسور خینی ابراز نمودند.

فریاد "جنگ نه، صلح آری"، مرگ بر خمینی، مرگ بر صدام، مرگ بر آمریکا پایان یافت.

راهپیمایی ۲۶ سپتامبر با مشارکت فعالانه فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران - دانمارک و همچنین حزب کمونیست عراق (دانمارک) و سازمان دانشجویان عراقی - دانمارک برگزار گردید.

* بعد از این راهپیمایی، برنامه اعتراض ایستاده همراه با مشعل در مقابل پارلمان دانمارک برگزار گردید. این برنامه که فدائیان، توده‌ای‌ها، رفقای حزب کمونیست عراق و اعضای سازمان دانشجویان عراقی در آن شرکت داشتند، تا روز بیست و هفتم سپتامبر و به مدت ۲۰ ساعت ادامه یافت. چند تن از اعضای پارلمان دانمارک نیز با امضای فرم‌های اعتراضی علیه جنگ و سیاست‌های اختلاف آمیز جمهوری اسلامی حمایت خود را از شرکت کنندگان در آکسیون اعلام نمودند.

این اعتراض که همانند اقدامات کلاشته از پشتیبانی حزب کمونیست دانمارک برخوردار بود، با صدور قطعنامه‌ای هفته صلح به پایان رسید.

شرکت کنندگان از اعضای پارلمان دانمارک و نیروهای صلح



طلب دانمارک خواسته‌اند برای خاتمه یافتن جنگ خائمانسوز و توقف اعدام‌های دستجمعی، رژیم‌های ایران و عراق را تحت فشار قرار دهند.

ضمناً خبرنگاران از یک رادیوی محلی، یک رادیوی عربی، روزنامه پولیتیکن و روزنامه لنوفالک بمنظور مصاحبه و کسب خبر به شرکت کنندگان در آکسیون پیوستند.

خبر مربوط به راهپیمایی و اعتراض ایستاده با مشعل، در روزنامه لنوفالک به چاپ رسیده است. در بالا عکسی را که در پیوند با اخبار هفته صلح در روزنامه لنوفالک به چاپ رسیده است، ملاحظه می‌کنید.

* روز ۲۶ سپتامبر به دعوت کمیته صلح و دفاع از زندانیان سیاسی ایران (دانمارک) در کپنهاگ راهپیمایی انجام گرفت. راهپیمایی با در دست داشتن پلاکاردهایی مبنی بر محکوم کردن جنگ ایران و عراق و با دادن شعارهایی علیه دو رژیم، راهپیمایی را آغاز کردند. آنها در میدان شهرداری کپنهاک توقف کرده و پس از اینکه در این محل اطلاعیه‌هایی از جانب ایرانیان و عراقی‌ها خوانده شد، بمطرف سفارت ایران به حرکت درآمدند.

این راهپیمایی با قرائت قطعنامه در جلوی سفارت ایران و با

به ابتکار فدائیان خلق و توده‌ای‌ها، در روزهای ۱۲ و ۱۴ سپتامبر اجتماعی اعتراضی در مقابل دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در فرانکفورت و در مرکز شهر برگزار گردید. این حرکت به منظور ابراز مخالفت با جنگ خائمانسوز ایران و عراق صورت گرفت.

در این حرکت اعتراضی عده‌ای از زنان سالخورده سازمان ضد فاشیستی آلمان فدرال نیز شرکت داشتند، تظاهرکنندگان در حالی که پلاکاردهای حاوی شعارهایی در مورد جنگ و زندانیان را حمل می‌کردند اعلامیه‌هایی به زبان‌های فارسی و آلمانی از جمله اعلامیه کمیته مرکزی سازمان درباره آغاز ششمین سال جنگ را توزیع نمودند. این اعلامیه‌ها با استقبال زیاد مسافریان و ایرانیان مقیم فرانکفورت و نیز مردم فرانکفورت مواجه گردید.

آکسیونهای مزبور مورد پشتیبانی حزب کمونیست آلمان شعبه فرانکفورت قرار گرفت.

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

هلند

مردم ایران و عراق هیچ سودی از این جنگ نمی برند

ما، نمایندگان حزب کمونیست عراق و رفیق "سیمون کورپر" نماینده حزب کمونیست هلند و رئیس جبهه واحد ضد فاشیستی هلند در سال های ۴۵-۱۹۴۰ نیز سخنانی پیرامون این جنگ بهیوده ایراد نمودند. رفیق "سیمون کورپر" گفت: جنگ به نفع امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است... و مردم ایران و عراق هیچ سودی از این جنگ نمی برند.

در بخش پایانی قطعنامه این گروهماشی آمده است: ما سازمانها و احزاب امضا کننده زیر، همبستگی خود را با جنبش توده ای و نیروهای ملی در ایران و عراق علیه ادامه این جنگ و برای صلح اعلام کرده و خواستاریم که:

- ۱- عملیات نظامی و بویژه بمباران شهرها قطع شوند
 - ۲- هر دو کشور باید به مرزهای پیش از جنگ عقب نشینی کنند
 - ۳- مذاکرات پیرامون اختلاف نظرها برای یک صلح عادلانه و دمکراتیک آغاز گردد.
- این قطعنامه که برای سفارت های ایران و عراق و دفاتر سازمان منل در هلند ارسال گردید به امضای احزاب و سازمانهای زیر در هلند رسید.

- ۱- جوانان کمونیست شیلی
- ۲- اتحاد چپ ترکیه
- ۳- حزب سوسیالیست شیلی
- ۴- جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین
- ۵- حزب کمونیست هلند (آمستردام)
- ۶- اتحادیه کمونیستهای هلند
- ۷- پلاتفرم سازمان های کارگران خارجی در هلند (شامل ۱۲ سازمان)
- ۸- انجمن یونانیهای آمستردام
- ۹- سازمان کارگران ترک
- ۱۰- سازمان کارگران مراکشی
- ۱۱- انجمن فرهنگی ایتالیایی ها (کارولوی)
- ۱۲- کمیته هلندی برای امنیت و همکاری اروپا
- ۱۳- گروه همبستگی با لبنان
- ۱۴- حزب کمونیست عراق (هلند)
- ۱۵- فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هلند
- ۱۶- حزب توده ایران (هلند)
- ۱۷- هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین
- ۱۸- انجمن مقاومت شیلی
- ۱۹- سازمان اصلاح طلب جوانان (آمستردام)

پنج سال خونریزی در خدمت منافع امپریالیسم

اعتراضنامه همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و عراق اعلام نمودند. این اعتراضنامه ما علیه ادامه جنگ، وضع غم انگیز جوانان و مردم ایران و عراق و نیز احکام اعدام صادر شده تدوین شده بود.

همچنین جساتی با شرکت نمایندگان جوانان احزاب برادر برگزار گردید که چهار روز به طول انجامید.

فدائیان خلق در این جسات به سخنرانی پیرامون جنگ و پیکار مردم ایران در راه برقراری صلح، تیبیکاری ارتجاع حاکم و پستی های امپریالیسم آمریکا پرداختند.

****روژنامه "ریزواپاستیر"** ارکان کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، بمناسبت پنجمین سالگرد جنگ ایران و عراق، مقاله ای در این باره نوشته است که عنوان آن "پنج سال خونریزی در خدمت منافع امپریالیسم" است. در این مقاله آمده است که:

"گرسختی، بدبختی، درد و خونریزی که به ناحق ریخته می شود خشم و تغیر مردم را هر روز نسبت به این جنگ که امپریالیستها محرک آن بوده اند، افزایش می دهد."



دبیر اول حزب کمونیست یونان در دیدار از غرفه فدائیان در جشن آتن

استرالیا

جنگ دشمن جوانان و کارگران است

استرالیا، نماینده دانشجویان دانشگاه مکوآری... و تعدادی دیگر از مردم استرالیا حضور داشتند. در ابتدا پیامهای اتحادیه کارگران ترک در استرالیا، اتحادیه بقیه در صفحه ۱۱

در استرالیا، مراسمی بمناسبت پنجمین سالگرد جنگ برگزار گردید. در این مراسم علاوه بر خارجیان مقیم استرالیا، دبیر اول حزب سوسیالیست استرالیا، نمایندگان از این حزب و حزب کارگر استرالیا، کمیته صلح



از روز شنبه ۱۴ سپتامبر تا جمعه بیستم سپتامبر، در شهرهای آمستردام و اوترخت هفت اقدامات اعتراضی متعددی علیه جنگ ایران و عراق برگزار گردید. که با حمایت مردم مانند مواجه شد. طی این مدت هزاران اعلامیه و کارت پستال اعتراضی توزیع گردید. هم چنین هزاران تن از شهروندان هلندی، متنی را علیه تداوم جنگ ویرانتر ایران و عراق امضا نمودند

* در بیستم سپتامبر که روز پایانی هفته صلح بود، مراسم افشاگرانه ای در تالار "سوسیال آکادمی آمستردام" بر پا گردید که در آن علاوه بر رفقای حزب کمونیست عراق و رفقای فدایی و توده ای، نمایندگان از طرف جوانان کمونیست شیلی، حزب کمونیست ترکیه (وحدت)، حزب سوسیالیست شیلی و نیز عده ای از ایرانیان، هلندی، هائ، شیلیایی، یونانی، لبنانی، ایتالیایی ها و فلسطینی های مقیم هلند، شرکت داشتند.

در این مراسم سخنرانی هایی پیرامون فتنای چهران ناپدید جنگ ایراد گردید. نماینده ایران در رابطه با سالگرد آغاز جنگ و منافع امپریالیستها در تداوم آن، از خسارات مالی و انسانی این طاعون دهشتناک یاد نمود و با اشاره به سرکوب آزادی های سیاسی و اجتماعی و شکنجه و اعدام میهن پرستان ایران و بویژه زندانیان قهرمان سازمان و حزب و بحران عمیقی که تار و بود رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است نتیجه گرفت که رژیم قرون وسطایی خمینی می خواهد با ادامه جنگ بر طول عمر خویش بیفزاید. در این مراسم علاوه بر رفقای

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه‌هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور



فرجام، خاک سفید، حقوقی، میدان رسالت، انقلاب، توپخانه، چهارراه استانبول، پل حافظ، قصر اندشت و... عملیات پخش داشتند.

در رابطه با تحریم انتخابات بطور وسیع در خیابانهای خوش، سی‌متری جی، میدان انقلاب و... شعارنویسی صورت گرفت.

در اوایل شهریور ماه جاری، در کوچه برلن رفیعی بیش از ۱۰۰ اعلامیه در مورد صلح پخش کرد که در پی آن ماموران کمیته از دوطرف کوچه را بستند، اما اکثر اعلامیه‌ها را مردم بر می‌داشتند و توی جیبشان پنهان می‌کردند.

* روز شنبه ۲۲ تیر ساعت هشت صبح در اتوبان کرج پنل‌کارد پارچه‌ای بزرگی با شعار "متحد شویم! بنظر صلح، علیه جنگ" با امضای فدائیان اکثریت به سیم برق فشار قوی نصب گردید. این اقدام متهورانه اعجاب سرنشینان اتومبیل‌هایی را که از این اتوبان می‌گذشتند برانگیخت.

* در تقابل خیابان انقلاب و کرگان شعار "علیه جنگ برای صلح بپا نینویزم!" در اندازه بزرگ نوشته شد. این شعار تا چند روز با برجا مانده بود.

همچنین اوراق خیابان‌های وفاق، دماوند، نبرد، بنوار، ابوذر شعرا و تراکت‌های ضد جنگ با امضای فدائیان (اکثريت) دیده می‌شد.

باتوطئه‌های ضد کارگری مقابله کنید!

* از سوی واحدی از کارگران فدایی اعلامیه‌ای با عنوان فوق در مورد توئغه‌های مدیریت کارخانه ایران یاسا منتشر شد و در محل پخش شد. متن این اعلامیه بدین قرار است:

کارگران مبارز ایران یاسا!

به دنبال اعتراضات سال گذشته شما علیه کمی دستمزد و سختی شرایط کار، مسئولین کارخانه از ترس اقدامات اساسی شما مجبور به پرداخت حق اولی، حق سختی کار و هم چنین پرداخت حق بهره‌وری بر اساس ساعات کار مفید جدا از ساعات غیر مفید شدند. حال آنها با دستاویز قرارداد جنگ ویرانگر، کمبود ارز و عدم فروش محصولات توئغه‌ای را سازمان داده‌اند تا دستاوردهای مبارزات شما را پس بگیرند. آنها با صدور مصوبه‌ای پرداخت اولی و حق سختی کار را لغو کرده و با محاسبه ساعات غیر مفید همراه با ساعات مفید کار، بهره‌وری را از سال پیش هم کمتر پرداخت خواهند کرد.

کارگران مبارز ایران یاسا!

با هوشیاری و اتحاد خود این توئغه را خنثی کنید. برای مقابله با این توئغه دست از کار بشکند، تجمع کنید و مدیریت را وادار به پاسخگویی به خواستهای خود نمائید.

مشعل رزم فدائیان خلق پر فروغ و تابنده، پرتو افشان است. در این شماره نیز گوشه‌ای از برخی گزارشهای دریافت شده در مورد فعالیتهای افشاکرانه علیه رژیم خمینی را درج می‌کنیم:

* رفقای رزمنده ما در کرج تعداد زیادی اعلامیه و تراکت در رابطه با وضع بد اقتصادی مردم، گرانی و بیکاری، جنگ و جنایات رژیم در "زورآباد" پخش نمودند که با استقبال مردم محروم این محله مواجه گردید. همچنین رفقای مادر این محل در هر ماه "نامه کارگر" را در تیراژی حدود ۲۰۰۰ نسخه منتشر و پخش می‌کنند.

* "در شهر اثرلی بیش از ۸۰۰ تراکت در مورد تحریم انتخابات و صلح در سطح شهر پخش گردید که بازتاب وسیعی داشت"

* در ارتباط با اوضاع کارخانه ایران خودرو (ایران ناسیونال) و سیاستهای ضد کارگری رژیم در این

علیه توطئه اخراج اعتصاب کنید!

کارگران مبارز ایران خودرو!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد کارگری و ضد مردمی اش، توسط عوامل خود یعنی وزارت کار، وزارت صنایع ستنین، مدیریت ایران خودرو، هر روز که می‌گذرد فشار بیشتری بر دوش شما کارگران مبارز وارد می‌کند. از ماه‌ها پیش به تدریج اضافه‌کاریهای شما را قطع کرد. از چند ماه پیش طی بخشنامه‌ای به شما "از" هر روز غیبت، حقوق دو روز شما را کسر نمود و اکنون بی‌شماره توطئه جدیدی را علیه شما تدارک دیده است.

مخبرانه‌ای به ایران خودرو آمده مبنی بر اینکه می‌بایست حدود ۲۰ درصد کارکنان این کارخانه اخراج گردند که این رقم بیش از چهار هزار نفر از شما را در بر خواهد گرفت. از آنجا که رژیم آبرو باخته و سیاه‌روی جمهوری اسلامی از مبارزات شما کارگران می‌هراسد، دست به توطئه و تیرنگ زده است. در طول ماه رمضان شاهد بوده‌اید که دوماه‌ای از کارگران را به اتهام روزه‌خواری ظاهر ابطور موقت اخراج کرده‌اند. هم اکنون شاهد هستید که با توسل به زور شما را از قسمتی به قسمت دیگر کارخانه منتقل می‌کنند که در جریان این کار با مقاومت شما روبرو شده‌اند هم چنین شاهدید که طی بخشنامه مژورانه خواسته‌اند حدود ۱۵۰۰ نفر از شما را به کارخانه بنژ خاور انتقال دهند. از طرف دیگر مشاهده نموده‌اید که همزمان با تدارک این توطئه انجمن مزدور اسلامی به فعالیت شناسایی کارگران مبارز می‌پردازد. انتظارات قوت گرفته است و کارخانه به شیوه سربازخانه‌ای اداره می‌شود. این مسائل حاکی از آن است که خطر اخراج تعداد زیادی از کارگران این کارخانه را تهدید می‌کند

کارگران مبارز ایران خودرو!

با این توطئه‌ها مقابله کنید! برای مقابله با توطئه اخراج کارگران، متحد شوید! اعتصاب کنید!

با دست کشیدن از کار، با تجمع، نیروی قدرتمند خویش را به نمایش بگذارید و مطمئن باشید که توئغه رژیم را خنثی خواهید کرد. از مبارزه پیروزمند کارگران ذوب آهن اصفهان پند بگیرید! رژیم قادر نیست در مقابل مبارزه بیکپارچه شما بایستد، رژیم به زانو در خواهد آمد!

— زنده باد طبقه کارگر پیشتاز جنبش اعتراضی خلق

— برقرار باد اتحاد کارگران ایران

— پیش بسوی هسته‌های مخفی کارگری

◀ مواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

مستحکم باد همبستگی کارگران ایران!

پیروزی باد مبارزه حق طلبانه کارگران ایران!

مواداران فدائیان خلق ایران (اکثريت)

«یک مورد از پیش اعلامیه چنین گزارش شده است: تعداد حدود ۵۰۰ برگ از این اعلامیه در ساعت ۲۰/۴۲ روز یکشنبه سوم شهریور توسط دو نفر از فعالین ما که بوسیله موتوربه نزدیک واحد ایران ناسیونال در جاده مخصوص کرج رفته بودند از بالای پل برای کارگران که بطرف سرویس می رفتند و شیفت آنان تمام شده بود به پائین ریخته شد... در آن زمان دو هزار کارگر از آنجا عبور می کردند و مهمه آنان شنیده می شد وقتی اعلامیه ما ریخته شد صدای هورا بلند شد... توضیح اینکه چند ده متر آنطرفتر انجمن اسلامی قرار داشت و چند متر جلوتر از رفقای ما انتظامات و تظاهراتی در پی بودند و پشت سر رفقای ما برج نگهبانی قرار داشت. در جریان پخش سوت نگهبانی شنیده شد. اما پخش با موفقیت پایان یافت و هر دو رفیق به سلامت محل را ترک کردند»

* بریده ای از نامه یک مادر ۵۰ ساله:

از میان نامه ها

«خبر، خبر، خبر روز»

«... غروب روز چهارشنبه برای خرید به چهار راه عباسی رفته بودم. چهار راه شلوغ و پر رفت و آمد بود. عده ای پای تلفن عمومی منتظر تلفن بودند. عده ای مشغول خرید یکسای داد می زد انکور شیرین دارم. دیگری منتظر مشتری بود. یکی غرق در فکر و خیال خود من هم در حال جستجو. تمام کسانی که در این منطقه مشغول رفت و آمد بودند از افراد معروف جامعه از قبیل کارگر، زحمتکش شهری، خرده فروشان، پرخشی ها، دستفروشا و همچنین مغازه داران بودند. در همین حین ناگهان همه بگرفت بالا تنه کردند. جایتان خالی وقتی بالا را تتریستم تعداد زیادی اعلامیه را دیدم که یکی پس از دیگری به زمین می افتد. دو نفر موتور سوار مسور و با شهادت، با شور و شوق فراوانی در یک چشم بهم زدن اعلامیه ها را ریختند و دور شدند و با این کار خود به رژیم پیوسته و ننگین جمهوری اسلامی پوزخند زدند، یکی از اعلامیه ها زیر پای من افتاد. اسم سازمان را دیدم که درشت زیر آن نوشته شده بود آنچنان شوری در خود احساس می کردم که دلم می خواست به دنبال موتور سوارها بدم و از سر تا پای آنان را غرق بوسه

پرتوی از رزم جوانان فدایی

جوانان فدایی، اعضا سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) نیز با اتکا بر سنتها و آموزش های افتخار آفرین فدائیان خلق، مصمم، پر شور و قهرمانانه بار آگاهی می یابند و انوار خورشید فردا را در سحرگاه میهنمان پدیدار می کنند.

در بخشی از گزارش یکی از واحدهای سازمان جوانان فدایی در تهران که اختصاص به گزارش اقدامات تبلیغی دارد می خوانیم:

"در مورد کار تبلیغی نکته جالب اینکه در اثر تبلیغ شفاهی ما خیلی ها رای ندادند و این در حول و حوش هر فردی مشهود بود و به دوستان روحيه می داد. در ماه گذشته (مرداد) ۷۶۴ پخش عادی در محلات داشتیم. ۴۵۰ پخش سریع داشتیم که ۶ مورد آن تقریباً علنی بود. سه مورد در موقع تحلیل سینما و سه مورد در ایستگاه های اتوبوس. پلاکاردی نیز بر روی پل حافظ-انقلاب نصب کردیم که مدت

"از جمعه بیست و پنجم بنویسم ما آرزو به درکه رفته بودیم خیلی شلوغ بود. همه زده بودند بیرون و در راه درکه روی تابلو بلند بچه ها نوشته بودند که زندانیان سیاسی آزاد باید کردند و بعد زیرش نوشته بودند فدائیان اکثریت و حزب توده ایران مردم بلند بلند می خواندند و رد می شدند بعد من گوش می کردم ببینم درباره اش چه می گویند. می گفتند چه خوب نوشته اند آزادی زندانیان را خواستند. بعد می گفتند ببین در کجا نوشته اند. تابلو بعدی نوشته بودند ما صلح می خواهیم جنگ را باید خاتمه داد. اما موقع برگشتن دیدیم روی آن که نوشته بودند زندانیان باید آزاد کردند گل مالیده بودند"

* لازم به توضیح است که "اورلپ" به اصلاح به حق اضافه کاری، خاصی الحاق می شود که مشتمل بر زمانی است که کارگران ماشین های روشن و در حال تولید را به شیفت بعد تحویل دهند.

گرفت و برد. پسرک اینطرف و آنطرف را نگاه کرد و بیک اعلامیه را از جوی آب بیرون آورد، خشک کرد و شروع به خواندن بقیه آن با دوستش کرد. یکی کلاهد حزب ایلی بود، چند تا از اعلامیه ها را برداشت و در حالی که به این طرف و آن طرف نگاه می کرد، آنها را پاره کرد و در جوی آب ریخت. و یک نفر دیگری از اعلامیه ها را برداشته و می گفت اینها دیته چیه؟ ناگهان جوانی بگرفت آمد اعلامیه را از او گرفت و گفت: به ببینم بده بخوانیم باها خلاصه حدود یک ربع مردم مشغول برداشتن خواندن، تا کردن، صحبت کردن راجع به اعلامیه بودند. من هم یکی از اعلامیه ها را که تا کرده بودم باز کرده و روی یک بلندی گذاشتم تا مردم آنها بخوانند. آنقدر خوشحال بودم که از همانجا به سراغ یکی از دوستان قدیمی خود رفتم و خواش کردم اگر می توانی آدرس علنی سازمان را به من بده تا برایش نامه بنویسم. او همراه داشت بالاخره آنها گیر آوردم این نامه را برای شما نوشتم. باور کنید نوشتن خیلی مشکل است زیرا من هنوز نتوانسته ام تمام آنچه را که می دیدم و احساس می کردم برای شما بنویسم. آینده مال همه انسانهای شریف است آینده متعلق به مردم است من به این ایمان دارم."

۵ دقیقه پارچه ماند حدود ۲۰۰ شعارها مازیک در جاهای مختلف نوشتم ۵۲ عدد برچسب داشتیم و ۲۰۰ شعار بزرگ را با اسپری بردیوارها نوشتم (پیروز باد مبارزه... تحریر انتخابات... غلبه جنگ...) در ماه گذشته ۲۴۰ نامه پستی داشتیم. برای هفته جنگ نیز برنامه داریم که مضمون عمل کنیم..."

* یک واحد از جوانان قهرمان فدایی در تهران کارنامه تبلیغات کتبی خویش را چنین جمع زده است: "در دو هفته بسیج تحریر انتخابات حدود ۱۰ هزار تراکت، ۵ هزار اعلامیه، ۵۰۰ عدد برچسب، ۱۰ عدد شعار بزرگ، حدود ۴۰۰ شعار نویسی کوچک و... داشتیم... از حالا برای هفته آخر شهریور هفته اول مهر دو هفته بسیج داده ایم. اعلامیه اول مهر سازمان جوانان و پیشگام شماره ۱ و شماره ۲ را تکثیر شده و آماده پخش بقدر کافی داریم و منتظر آغاز سال تحصیلی هستیم. اکنون دیتار از وقایع و مناسبتها عقب نیستیم ولی با تمام اینها از کارمان راضی نیستیم. چشمان کاوه، منصور، تقی، احمد و... ناظر بر کارمان است اینها حرف نیست برای گفتن، برای مبارزه در راه مردم زجر دیده مان و علیه رژیم جنایتکار خمینی و امپریالیسم خونخوار آمریکا بیک دنیا کار وجود دارد."

* از طرف جوانان فدایی در شرق تبریز اعلامیه ای در تشریح سیاستهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی منتشر و وسیعاً توزیع شده است. در این اعلامیه که عنوان "پیروز باد مبارزه خلق در سرتوئی جمهوری اسلامی" را داراست ضمن تشریح جنگ طبیبی، سرکوبگری و شکنجه و اعدام، سیاستهای ضد ملی و ضد دموکراتیک، پایمال ساختن حقوق زنان و ضدیت با کارگران و زحمتکشان و سیاستهای ضد فرهنگی که توسط رژیم خمینی اعمال می شود آمده است:

"... در شرایطی که جوانان میهن ما از نبود امکان و وسایل تحصیل و کار، ورزش و تفریح سالم، فقدان افق روشن برای کار و زندگی، وجود انواع تبعیضات و ادامه چنگی که از آنها به عنوان گوشت دم توب استفاده می کند، رنج می برند و بلاخره در شرایطی که وضع زندگی توده های مردم هر روز بدتر از روز قبل می شود، رژیم جمهوری اسلامی نسبت به خواسته های مردم بی اعتنا بوده و بر سیاستهای ضد مردمی خود با فشاری می کند"

بقیه از صفحه اول

پشتیبانی قرار می گرفت، "هنری" بود لوکس و تخیلی.

هم چنان که در سال های ۵۴ تا ۵۶ خیزش های توده ای در کوره کارخانه ها، دانشگاه ها و سایر نقاط مرده از تحولی شرف می داد، هنرمندان متعهد و انقلابی چون شیران از بندرسته، پرچم رسالت، خویش را برافراشته و با الهام از انقلاب توده های ستمدیده را به مبارزه و اتحاد دعوت نمودند.

در این سال ها شاهد یک دگرگونی عظیم بر صحنه های تئاتر و روئیدن گل های سرخ آگاهی و مبارزه بر آن پهنه می باشیم، با تماشاگرانی دگرگون شده از میان خیل ستمدیدگان! اگر چه پیش از آن نیز هنرمندان ارژشمندی با آفرینش و اجرای نمایشنامه های انقلابی گام در این راه نهاده و زنجیر و زندان را در برابر آن پذیرا شده بودند، اما در این سال ها شاهد رشد و تحول سریع و چشمگیر در این زمینه می باشیم. تئاتر در شهرستان ها و روستاهای دور افتاده نیز بوسیله گروه های گمنام و انقلابی راه می یافت و شور مبارزه را در میان مردم برمی انگیزید.

با نخستین زمره های انقلاب تا اوج فریاد آن، تئاتر نیز حرکت کرد و تعالی یافت.

در این زمان هنرمندان بسیاری با اجرای پاره ای از آثار پیم نویسان انقلابی و متعهد در راستای آگاهی توده ها و دعوت آنان به مبارزه می کوشیدند.

اما واقعیت آن است که تئاتر به علت عدم امکانات از رشد کافی برخوردار نبوده و تنه پس از انقلاب بهمین و همزمان با آن و با باز شدن درب زندان ها که به "خانه" هنرمندان بدل شده بود، توانست کم راست کند، بشکفتد و در نسیم انقلاب به اهتزاز درآید.

در سال های انقلاب، گروه های مختلف تئاتری، اعم از نویسندگان، کارگردان و بازیگرها دیدها برداشت ها و علائق خاص خود به صحنه ها روی آوردند و هم چنان که بتدریج و گاه با سرعتی شکفت مرزبندی های طبقاتی شکل می گرفت و کارشان گاه به ستیزی هولناک می کشید. این گروه ها نیز هر کدام به راهی می رفتند، اما هر چه بود در پرتو انقلاب هنر تئاتر شکفت و گروه های مختلف هر کدام سعی کردند تا در این میان برای آگاهی و نشان دادن راه به توده ها و بیان عقاید و نظریات خویش

قدم در میدان گذارند.

تئاتر برای کودکان مورد توجه بسیار قرار گرفت؛ نمایشنامه های اولدوز و عروسک سخنتو، ماهی سیاه کوچولو، ۲۴ ساعت در خواب و بیداری از صد بهرستی به صحنه کشیده شد. بهروز غریب پور نیز در همین عرصه، کنپل کفتر باز و کوراغلو را به صحنه آورد. افشای جنابات رژیم ستمشاهی و سازمان جهنمی ساواک را نمایشنامه هایی

معتمد رضا صادقی، درس اول کارگری، خیمه شب بازی در منطقه کار محمود حیدری، زاده و مرک بر آمریکا کار سید سلیمان پور نیز هر کدام با زبانی ساده به بیان و توضیح مسائل اقتصادی و سیاسی برای زحمتکشان پرداختند. صحنه های تئاتر نیز شاهد اجرای آثار ارژشمندی چون شویک در چنگ، بهانی، کشتارگاه و شاه اسکوریال بود.

نیروهای حکومتی کداز قافله

تئاتر انقلاب - تئاتر ارتجاع

عقب مانده بودند از سویی با هجوم و حشیانه به سالن های تئاتر، بسیاری از آنها را به تعطیل کشانده و در پاره ای دیگر خود به اجرای آثاری شتابزده، آبکی، بی روح و سرشار از جعل و تزویر حقایق پرداختند.

در این زمان تئاتر عروسکی نیز با سابقه لولانی و خلقی خویش از رونق نسبی خوبی برخوردار شد. چشم در برابر چشم اثر ساعدی، لوبیای سحر آمیز، خمره سخنتو، همه با هم، دوستان الماس کار گروه آینده، بز زنگوله یا کار گروه آینده، خورشید، زیتون، دریا در مورد انقلاب فلسطین نوشته محمود حیدری زاده بر صحنه آمده و هر کدام مدت های طولانی بر صحنه ماندند.

تئاترهای لاله زار نیز از شکاکش انقلاب برکنار نماندند؛ برای مدتی عرصه تاخت و تاز هنرمندان رانده از سینما و ستارگان سرشناس اما مطرود سینما گردیدند و در پاره ای از آن ها نیز آثاری ارژشمند و همپای انقلاب بر صحنه آمد.

سال های ۶۰، ۶۱ و اوایل ۶۲ با وجود آنکه هجوم ارتجاع علیه همه دستاوردهای انقلاب گسترش بی سابقه ای یافته بود و همدوش آن نیروهای ضد انقلابی عرصه های تئاتر را به زیر همپن می کشیدند، اما هم چنان اگر چه در ابعاد کوچکتر نمایشنامه های موفقی بر صحنه کشیده شدند. محمدعلی جعفری نمایشنامه "مستعلق"، هرمز هدایت "آن زمان فرا خواهد رسید" رضا کریم رضایی "تجاوزگران"، یک جفت کفش برای زهرا" توسط شاه محمدرضا، "همه پسران من" توسط اکبر زنجانی پور، گروه های تفتیش عقاید و سانسورچی های تازه کار رژیم که از بیاری کارگزاران رژیم در گذشته پهلوی برخوردار شده بودند

از اجرای نمایشنامه های بسیاری جلوگیری کردند. نمایشنامه "قیام شیخ محمد خیابانی" نوشته محمود حیدری زاده، کار گروهی "شیلی با یادک ها، جوانها" و "بابا کتکو"، "بی بی صولت" کار گروه آینده و... غالباً در شب اجرا از صحنه به پایین کشیده شدند. گروه های کوچک تئاتر نیز در گوشه و کنار هر شهر و روستا به تدریج به تعطیل کشانده می شدند، اگر چه توانسته بودند آثار پر ارزش چون زندان اطفال، پهلوان شهر خیال و علی خله را بر صحنه بیاورند.

در این میان سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر با همکاری گسترده خویش با گروه های تئاتری، برگزاری جلسات تمرین و اجراء نمایشنامه خوانی، تشکل هنرمندان و کارکنان تئاتر، بدست آوردن امکانات برای گروه های تئاتری و چاپ نشریات خبری گام های بسیار مثبت و ارزنده ای در عرصه تئاتر برداشت. این تلاش های ارزنده در شرایط یک اختناق کم نظیر انجام شد.

شورای نویسندگان و هنرمندان نیز در پیش تئاتر خویش با چاپ آثار ارژشمند، برگزاری جلسات سخنرانی پیرامون هنر تئاتر، تشکل هنرمندان و نقد و بررسی آثار تئاتری، خدمات ارزنده ای به این هنر نمود.

بالاخره ثلثت ارتجاع کاملاً سیطره یافت. صحنه های تئاتر به تعطیل کشانده شده و با تبدیل به مجالس تعزیه خوانی و جعل تاریخ گردید. نمایشنامه هایی همه در ستایش قهرمانانی دروغین و خیالی و تبدیل سکوت و تسلیم صحنه های تئاتر را آلودند. هنرمندان متعهد و انقلابی یا به جوخه اعدام سپرده شدند، یا راهی زندان ها و سیاهچال های رژیم گردیدند یا به اجبار راه دیار غربت در پیش گرفتند و در زیر برق سر نیزه ها و تلخی شوم تنه بازجویان و همیزان و پاسداران، بازیگرانی تهی مایه به ستایش و حمد از رژیم پرداخته و حنجره های خویش را در آخر هر نمایش با فریادهای چنگ طلبانه و تائید بی چون و چرار رژیم انباشتند.

ویژگی های آنچه به نام تئاتر پس از سال ۶۲ تا کنون به صحنه های خیالی از تماشاچی کشانده شده را می توان چنین خلاصه نمود:

- تلاش در ترویج کردن تئاتر از مضامین طبقاتی
- تائید کامل رژیم و خدمت به اهداف استعمارگرانه و جنگ طلبانه آن
- تبلیغ خرافات، جنگ،

بقیه از صفحه ۷

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی...

بقیه از صفحه اول

جمهوری اسلامی و قاچاقچیان اسلحه

خرید لوازم جنگی در یکی از محلات لندن تاسیس کرد که زیر پوشش کمپانی نفت ایران، فعالیت می نمود.

* به گفته مسئولین آمریکا، "ایرانی‌های معامله کر بیشتر پول داشتند تا تجربه. و مرتباً مرشان کلاه می رفت و اکثراً ناگزیر به پرداخت مبالغ بسیار هنگفتی برای خرید لوازمی می شدند که هیچگاه هم دریافت نمی کردند.

* ارقام و شماره‌های موجود در لیست خرید معامله گران ایرانی، عیناً با ارقام پنتاگون برای شناسایی لوازم بدکی، همخوانی داشت.

* تاکنون یک کمپانی بیمه در شیکاگو، یک تاجر ایرانی در سان دیاکو، یک تاجر کره‌ای و... که رابط معاملات و داد و ستد نظامی با جمهوری اسلامی بوده اند، شناسایی شده اند.

* دریک مورد، ایران به یک مامور گمرک آمریکا ۲۵۵ هزار دلار رشوه به منظور ارسال یک محموله پرداخت کرده است.

* ۲ نفر از رابط‌های آمریکایی، روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت به قیمت ارزان را به فروش می رسانند و علاوه بر حق الزحمه‌های این کار، ۲۰ سنت در هر بشکه نفت، بعنوان پاداش به آنها به حسابی در بانک "باماماس" واریز می گشت.

* در سپتامبر گذشته، فرمانده مرکز لجستیکی نیروی هوایی ایران در لندن به یک واسطه اروپایی مبلغ ۲۹۴ هزار دلار برای دو قلم وسیله خاص رادار ساخت آمریکا پیشنهاد کرد که قیمت معمولی آن ۲۰ هزار دلار است.

* یک کمپانی غربی ۲۰۰۰ درصد سود از فروش لوازم جنگی به ایران به چنگ آورده است. این کمپانی هر قلمه بدکی هواپیما که ۲۰۰۰ دلار ارزش دارند را به ۴۰ هزار دلار به ایران فروخته است.

* حدود ۲ سال پیش ایران ترتیب یک معامله ۲ میلیون دلاری خرید لوازم جنگی از واسطه‌ها را داده بود. طبق قرار، ایران موظف بود به محض دریافت اوراق دال بر بارگیری محموله، مبلغ آثرا پرداخت نماید. و ایران هم طبق قرار عمل کرد. بعد از ۲ ماه، وقتی که محموله به پاریس رسید، مقامات ایرانی بجای لوازم جنگی، قلمعات زنگ زده ماشین آلات کشاورزی را در جعبه‌های حمل شده یافتند.

ایالات متحده، کنگره این کشور، سازمانهای جهنمی سیا و پلنتاگون، از این داد و ستدها بی اطلاع می باشند. فروش اسلحه به جمهوری اسلامی تنها و تنها با تأیید و اجازه مقامات رسمی دولت آمریکاست که امکان پذیر می باشد. ولی مقامات دولت آمریکا چندان هم بی میل نیستند که هر چند وقت یکبار، به منظور اخذ امتیازات بیشتر از جمهوری اسلامی، گوشه‌هایی از این داد و ستدها را تحت عنوان قاچاق اسلحه بر ملا ساخته و به رخ نکام مرتجع بکشند.

اخیراً، تمام نشریات غربی پیرامون کشف باندهای قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی، مطالبی منتشر کرده اند. غرب، حتماً مهره‌های کوچکتر را رسوایی کند، و قرارداد‌های هنگفت خرید اسلحه، مدت‌ها در پرده خواهند ماند. ما توجه خوانندگان را صرفاً به تیتر با بریده‌های از مطالبی که در نشریات آمریکا، پیرامون قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی درج شده، جلب می کنیم:

* ماموران ایرانی یک رشته عملیات وسیع برای دستیابی به منابع تسلیحاتی پنتاگون و ارتش آمریکا انجام داده اند.

* قاچاقچیان دستگیر شده، برای معاملات خود، از امکانات دولتی استفاده می کردند.

* مواردی دیده شده است که مامورین ایرانی، به راحتی بسته‌های چندین میلیون دلاری وجه نقد را برای خرید اسلحه و مهمات با خود حمل می کرده اند. یکی از مقامات آمریکایی اظهار کرد "انها بطوری وانمود می کنند که گویا توبره پر پول تمام نشدنی به همراه خود دارند."

* به روایت اسناد، ۲ نفر آمریکایی که مامور تهیه لوازم جنگی، بوده اند روزانه مبالغ هنگفت و غیرقابل تصویری پول برای بازاریابی نفت ارزان، حق الزحمه دریافت می کرده اند.

* یک ژنرال پنتاگون با سابقه کار ۲۴ ساله در این سازمان، جزو قاچاقچیان دستگیر شده می باشد.

* ماشین جنگی آیت الله بودجه بسیاری دارد، خوب تغذیه نمی شود ولی اشتیاق بسیاری دارد.

* بعد از شروع جنگ ایران و عراق، دولت ایران یک دفتر جهت

کانادا اعتراض علیه جنگ در مونترال

فدائیان خلق در کانادا، هواداران حزب توده ایران و اتحادیه دانشجویان عراقی در کانادا، روز یکشنبه (۲۱ سپتامبر، بمناسبت هفته صلح مراسمی در شهر مونترال برگزار شد. در این مراسم که شامل نمایشگاه عکس، نمایش ویدئو فیلم و اسلاید بود، جنایات رژیم های ایران و عراق افشا گردید.

در این مراسم مقاله ای توسط یکی از فدائیان خلق قرائت گردید که در آن ضمن بر شمردن تلفات و خرابی های ناشی از جنگ، درخواست مردم ایران و عراق مبنی بر قطع جنگ و برقراری صلح تأکید شده بود. همچنین پیامهایی در همبستگی با مبارزات مردم ایران و عراق در جهت استقرار صلح، از جانب حزب کمونیست کبک، سازمان جوانان حزب و انجمن کارگران یونانی در بخش پایانی مراسم خوانده شد. این مراسم با استقبال گرم شرکت کنندگان مواجه گردید.

علاوه بر این در طول هفته مبارزه با جنگ در سطح شهر مونترال، اعلامیه‌ها و پوسترهای متعددی در افشای جنایات رژیم جنگ افروز خمینی توزیع شد.

نامه اتحادیه چپ سوئد به سفارت جمهوری اسلامی

سفارت جمهوری اسلامی ایران ۲۲ سپتامبر مصادف است با آغاز ششمین سال جنگ ایران و عراق. در این جنگ صدها انسان بی گناه و میلیون‌ها تن زخمی و آواره شده اند. بسیاری از مادران و زنان، کودکان معصوم و فرزندانشان عزیز خویش

اتحادیه چپ زنان سوئد

— بکنواختی و تکرار خسته کننده و بیپوده در مضامین، اشکال، دکور، لباس، سرود و موسیقی.
چنین است تصویری گل‌را از سیمای صحنه‌های تلختر در جمهوری اسلامی با بازبگرائی بی تجربه و فاقد هر گونه بینش علمی و هنری که غالباً تعدادشان بر روی صحنه بیش از تعداد تماشاگران ترس زده و مبهوتشان می باشد. در فضای خالی از شادی و زندگی و سرشار از مرگ و ترس و خوف. این شب سیاه به آخر خواهد رسید. اگر چه هنرمندان را تیغ های برهنه بر روی کشیده اند. اما هنر را نمی توان به شمشیر کشت و به زنجیر نکه داشت که از هر قطره خوش گیاهی سر بر می کشد و بر این شوره زار وحشت جنگلی سبز خواهد رست.

عرب‌ها، کمیته صلح استرالیای و دانشجویان دانشگاه مکوآری، که در همه آنها از مبارزه مردم ما علیه جنگ، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکایستیایی شده بود، خوانده شد.

سیس رفیق پیتر سیمون دبیر اول حزب سوسیالیست استرالیا، پیامی از جانب این حزب قرائت نمود. رفیق سیمون بر این واقعیت که ادامه جنگ به نفع امپریالیسم آمریکا بمثابه مغزک اولیه آن و به ضرر منافع مردم ایران و عراق است، تأکید ورزید. وی با اشاره به سیر انقلاب ایران و به استناد پیام مشترک سازمان و حزب، جنگ را دشمن جوانان و کارگران نامید. دبیر اول حزب سوسیالیست استرالیا سخنان خود را با شعارهایی علیه جنگ رژیم های ایران و عراق و امپریالیسم آمریکا به پایان برد.

آخرین سخنران مراسم یکی از رفقای ایرانی بود که در آن به پیامدهای ادامه جنگ و تبهکاری های رژیم خمینی پرداخت.

پیام‌ها و سخنرانی های مراسم مزبور، تجلی تابناک همبستگی با آرمان صلح مردم ایران و عراق بود. در پایان شرکت کنندگان بر قطع بی درنگ جنگ تأکید ورزیدند.

نشونت، انتقام و "شهادت"

— جعل حقایق و واقعیت های تاریخی و اجتماعی با بی شرمانه ترین وضع ممکن
— تلاش در نمایاندن واحدی اجتماعی منام امت حزب الله در برابر تمام اقوام، مذاهب، خلق‌ها و طبقات
— پایمال کردن هر گونه حقوق اجتماعی و فردی و ترویج شخصیت پرستی
— نادیده انتاشتن هرگونه حقوقی برای زحمتکشان و هرگونه نقشی برای آنان در تحولات و دگرگونی های اجتماعی.

— ممانعت از ارائه آثار هنرمندان بزرگ جهان و ایران و قطع هر گونه ارتباط با تئاتر سایر خلق های ایران و جهان
— سرد زدن از عرصه تئاتر

جمهوری اسلامی و عرصه آگاهی اجتماعی

نتوانسته‌اند شعور و اراده خود را حفظ نمایند، می‌خواهد به حقانیت ایدئولوژیک آنها، اعتراف کنند.

نزدیکی بیش از حد دستگاه سرکوب و دستگاه ایدئولوژیک در جمهوری اسلامی، برای این رژیم، عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت. نمونه‌های متعدد تاریخی نشان می‌دهند که ایدئولوژی نیز در این میان، به خاطر گرایش به سرکوب و تلفیق ارگانهای مربوط به آن با دستگاه سرکوب دولتی، ضربه سختی خواهد خورد. ایدئولوژی سرکوب، ضرورتاً سرکوب ایدئولوژی را در پی خواهد داشت.

جمهوری اسلامی و نظام آموزشی کشور

رژیم حاکم بر ایران، برای تحمیل دیدگاههای خویش بر جامعه، توجه ویژه‌ای به نظام آموزشی کشور دارد. مضمون "انقلاب فرهنگی" و بعد از آن شیوه‌ای که برای گزینش دانشجو در پیش گرفته شد، ناشی از همین توجه است.

"انقلاب فرهنگی" یکی از برنامه‌های کوتاه مدت رژیم در این عرصه بود. برنامه دراز مدت جمهوری اسلامی، پروراندن یک نسل جدید "مکتبی" است و از همینرو مدت‌هاست که توجه عمده رژیم معطوف به مدارس شده است. سران و برنامه ریزان جمهوری اسلامی به کرات گفته‌اند که از نسل گذشته و نسل فعلی ناامیدند و باید تکیه اصلی خود را بر روی کودکان و نوجوانان بگذارند.

اکنون کودکان و نوجوانان مبین ما، متون سخن شده‌ای را به جای کتابهای آموزشی علمی می‌خوانند، ساعت‌های زیادی را مجبورند در کلاسهای عقیدتی شرکت جویند، قبل از شروع کلاس شعرهای مضمون سر دهند و سرودهای مسخره‌ای بخوانند، در برنامه‌های عقیدتی فوق العاده مدارس شرکت داشته باشند، همیشه زیر نظر مربیان "پرورشی" باشند تا مبادا "انحراف" پیدا کنند، در بسیج دانش آموزی اسم بنویسند و به جبهه‌ها گسیل گردند، و بالاخره در زیر چشم جاسوسان انجمن اسلامی به گونه‌ای رفتار نمایند تا اخراج نشوند و یا شاید در آینده بتوانند از صافی "تحقیقات" عبور کرده، به دانشگاه راه یابند و یابکاری دست و پا کنند.

موفقیت رژیم در این عرصه در عین اندک، اما در سطح نه چندان اندک بوده است که بدان بی توجهی شده و دست کم گرفته شود. در مواردی که تبلیغات رژیم کارساز می‌گردد، محصولات دست آموز و دست پرورده آن انسانهایی هستند نامتعادل، دل‌مدرده، بیمارگونه و هیستریک. اکثر اینان دوبار قربانی می‌شوند. یکبار قربانی جنایات "آموزشی و پرورشی" رژیم می‌گردند و روحاً می‌میرند و یکبار به قتلگاه جبهه‌ها فرستاده می‌شوند تا قربانی اهداف رژیم در بدو و کسترش چنت گردند و جسماً نابود شوند.

رسانه‌های گروهی

وسایل ارتباط جمعی، یکی از قوی ترین

پیشین می‌کوشند با استفاده از فرصتی که جمهوری اسلامی برای آنها فراهم کرده، ایدئولوژی و فرهنگ منحصاً امپریالیستی را ایدئولیزه نموده و با بهره گیری از نیروی عادت، انقلاب را به مثابه یک فاجعه قلمداد سازند. بنابراین عملاً ما باید در دو جبهه ستیز کنیم. کم بها دادن به هر یک از آنها، موضع مارا در هر دو جبهه تضعیف خواهد کرد.

کارکرد ایدئولوژیک دولت

در جوامع طبقاتی، دولت دارای سه کارکرد است: کارکرد سرکوب، کارکرد اقتصادی و کارکرد ایدئولوژیک. لازم است به اختصار در مورد این وظیفه سوم دولت توضیح دهیم.

دولت طبقاتی تنها از طریق سرکوب نمی‌تواند نظم موردپسند طبقات استثمارگر را حفظ کند. لازم است در جهت فریب و اغوای توده‌ها نیز، عمل نماید. به عبارت دیگر، دولت طبقاتی می‌کوشد آن چنان آگاهی اجتماعی‌ای را پدید آورد که در چارچوب آن نظم موجود جاودانه نماید و رفتار اجتماعی بر مبنای الهوامی صورت گیرد که به این نظم، آسیب نرساند. مهمترین ابزار دست دولت برای انجام این وظیفه، پرورشی از سیستم گسترده آموزشی و رسانه‌های گروهی است.

دستگاه ایدئولوژیک در رژیم جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی از آنجایی که یک دولت "ایدئولوژیک" است، از آنجایی که می‌خواهد دیدگاههای کهنه و متحجر را بر جامعه تحمیل سازد و در این مسیر با تشادهای عظیمی مواجه می‌شود، ارگانهای سرکوبگر و ارگانهای "ارشادگر" خود را با یکدیگر تلفیق می‌سازد. نزدیکی دستگاه سرکوب و دستگاه ایدئولوژیک در رژیم جمهوری اسلامی، پیش از آنی است که در قالبهای کلاسیک بگنجد. در دولتهای کلاسیک بورژوازی، تلاش می‌شود دستگاه ایدئولوژیک، بی طرف جلوه نماید. ارگانهای ایدئولوژیک از دستگاه سرکوب جدا هستند و عمدتاً قیافه "مهربانی" به خود می‌گیرند.

نزدیکی و تلفیق ایدئولوژی با چماق، ژان و شلاق در جمهوری اسلامی، یکی از ویژگی‌های مهم این دولت است. جمهوری اسلامی برای "ارشاد" گشتهای ویژه‌ای، در خیابانها راه می‌اندازد، "هدایت" را در اتاقهای "تثبیت" انجام می‌دهد، زندانها را به "آموزشگاه" و آموزشگاهها را به زندان تبدیل می‌کند، به زور چماق "انقلاب فرهنگی" راه می‌اندازد تا به "فرهنگ انقلابی" اجازه رشد و نمو ندهد، "غیر مکتبیها" را از سرکارهایشان بیرون می‌کند، کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها را می‌بندد و کتابها را می‌سوزاند، نویسندگان و هنرمندان را به زندان می‌افکند، اعدام می‌کند و یا از کشور می‌راند و بالاخره نمایندهای تلوویزیونی ترتیب می‌دهد و از انسانهایی که از فرط شکنجه و آزار و اذیت،

تاکنون در زمینه بحران سیاسی و اقتصادی موجود در مبین ما، سخن بسیار گفته شده است. جای آن دارد که به وجه مهم دیگری از بحران حاکم بر کشور، یعنی بحران ایدئولوژیک و فرهنگی نیز توجه بیشتری شود.

این وجه از بحران عمومی اقتصادی-اجتماعی موجود در ایران-همچون وجوه دیگر این بحران-تنها بعد از انقلاب بروز نیافته است. جمهوری اسلامی آن را در مسیر دیگری افکنده و در ابعاد عمده‌اش، تشدید کرده است. این بحران در اواخر حکومت شاه، تجلی ویژه‌ای داشت. شاه می‌خواست سیاست باصطلاح "مدرنیزاسیون" خود را در عرصه‌های مختلف آگاهی اجتماعی نیز پیاده کند، فرهنگ منحط غربی را با "ایدئولوژی شاهنشاهی" ترکیب نماید و آن را به زور سرنیزه در اذهان مردم فروسازد. این برنامه تا حدود زیادی با شکست مواجه شد. طبقات مختلف خنقی در برابر آن واکنش نشان دادند و هر یک بنا بر پشتوانه و چشم انداز تاریخی خویش، آنرا به شکنهای مختلفی برد نمودند. "آگاهی ملی" نیز در مجموع به صورت یک جبهه، در برابر این سیاست شاه، از خود عکس العمل نشان داد. مقابله مردم با سیاستهای رژیم پهلوی در این عرصه، یکی از ساخته‌های قوی انقلاب بهمن بود. حتی برخی از سیاستمداران و تنوریسین‌های امپریالیسم و نیز روشنفکران وابسته به رژیم سابق، معتقدند که نتیجه اصلی انقلاب ۵۷ را باید در این وجه از بحران جستجو کرد. چالش این است که سران جمهوری اسلامی نیز همین اعتقاد را دارند.

ضرورت توجه بیشتر به این عرصه

توجه به کارکرد ایدئولوژیک و فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی، یکی از وظایف عمده نیروهای انقلابی است. برای اثبات ضرورت توجه بیشتر به این عرصه، تنها کافی است به این پدیده اشاره کنیم که اولین واکنشهایی که در برابر جمهوری اسلامی صورت گرفت، شکل مقابله با همین کارکرد را داشت. جمهوری اسلامی دولتی است "ایدئولوژیک" در مفهوم انحصار و مؤکد آن. بنا بر این مقابله با کارکرد آن در عرصه "آگاهی اجتماعی"، یکی از جنبه‌های مهم مبارزه با ماهیت وجودی و کلیت و موجودیت آن است.

لنین، آموزگار کبیر پرولتاریا، در موارد متعددی بر اهمیت توجه به عرصه فرهنگ، رفتار و آتیک و دیگر جنبه‌های شعور جمعی، نه صرفاً به خاطر تاثیر مستقیم سیاسی و آموزشی آن بر روی طبقه کارگر، بلکه برای جذب توده‌های دموکراتیک نیز، تاکید دارد. به دیگر سخن نمی‌توان از آموزش و بسیج طبقه کارگر و از تشکیل جبهه‌ای متشکل از همه طبقات خلقی سخن گفت، مگر این که به این عرصه نیز توجه سزوار آن را مبدول داشت.

سازمانهای انقلابی ایران در رویارویی خود با رژیم جمهوری اسلامی در عرصه آگاهی اجتماعی، با رقیب خطرناکی نیز مواجه هستند. پس مانده‌های رژیم

دیوکل حزب سوسیالیست استرالیا در مصاحبه با "اکثریت":

ما با کسانی که برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق می‌کوشند همراهیم

بقیه از صفحه اول



نیز یاد کرد. این کشورها شامل جزایر کوچکی است که آمریکا خواهان تبدیل آنها به پایتگاههای نظامی برای خود است. اعتراض دولتها و مردم این جزایر گواهی بر رشد جنبش صلح در دورترین نقاط اقیانوس آرام است.

جنبش صلح ضعفهایی نیز دارد. بعنوان نمونه باید از پراکندگی سازمانی نیروهای تشکیل دهنده آن و وجود نقطه نظرات متفاوت حول مسائلی از قبیل سیاست خارجی، عاملین اصلی خطر جنب و غیره نام برد. اما می‌توان گفت با همه اختلافات، همه این سازمانها بطور مشترک خواستار خلع سلاح و جلوگیری از خطر جنگ اتمی هستند. به نظر ما جنبش صلح باید در مورد عامل اصلی بقیه در صفحه ۴

گوناگون هتمام با سیاست امپریالیسم آمریکاست. اما جنبش صلح تا حدودی موفقیت آمیز بوده و سران دولت را مجبور به تغییر تصمیمشان در مورد موشکهای ام- ایکس که بنا بود در اقیانوس آرام در آبهای استرالیا به آزمایش گذاشته شوند، نمود.

جنبش صلح همچنین خواهان استقلال سیاست خارجی استرالیاست. ما اعتقاد داریم در صورت موفقیت این حرکت، گامی به جلو در جهت تحقق سیاست خارجی غیر متعهد و مستقل نسبت به امپریالیسم آمریکابرداشته خواهد شد.

جنبش صلح سیاست دولت نیوزیلند در مورد جلوگیری از پهلو گرفتن ناوگان اتمی آمریکا در بنادر آن کشور را که مورد حمایت اکثریت مردم نیوزیلند است، تایید می‌کند. این، یک حرکت اعتراضی قوی بود که سیاست آمریکا در منطقه اقیانوس آرام را زیر ضرب گرفت و رشد جنبش مترقی در نیوزیلند و استرالیا را نشان داد.

در اینجا باید از جنبش صلح در کشورهای نو استقلال اقیانوس آرام

انقلاب نیکاراکوئه، تحمیل اراده اش به مردم ویتنام و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیاست، مجبور شده است به خواست خلفا تا حدودی گردن نهد. ۴۰ سال است که صلح در اروپا حفظ شده است.

در استرالیا نیز طی سالهای اخیر جنبش صلح رشد قابل ملاحظه‌ای کرده است و این امر در تظاهرات ماه مارس امسال نشان داده شد. در ماه مارس، ما شاهد بزرگترین تظاهرات صلح در استرالیا بودیم که پیش از این، نظیر آن سابقه نداشت. در حدود ۲۵۰ هزار نفر در شهرهای مختلف کشور در این تظاهرات که بزرگترین تظاهرات سیاسی تاریخ استرالیا بود، شرکت جستند. تقاضای تظاهر کنندگان، مقابله با پایتگاههای آمریکا در استرالیا و جلوگیری از پهلو گرفتن ناوهای جنگی آمریکا در بندرهای استرالیا بود. در این تظاهرات، اتحاد میان استرالیا و آمریکا که دولت استرالیا را در سیاست خارجی دنباله رو امپریالیسم آمریکا کرده است، زیر سؤال قرار گرفت. اینک سیاست خارجی استرالیا در عرصه‌های

پرش، رفیق پیتر سیمون، خواهشمندیم نظر خود را در باره موقعیت کنونی جنبش جهانی صلح و نیز نقاط قوت و ضعف جنبش صلح در استرالیا را بطور خلاصه بیان دارید.

پاسخ: در مقابل مهمترین خطری که بشریت را تهدید می‌کند، مردم جهان مبارزه‌ای را آغاز کرده‌اند که از لحاظ ابعاد آن بیسابقه است، و آن، مبارزه برای جلوگیری از وقوع جنگ هسته‌ای است. امپریالیسم آمریکادر تلاش برای نابودی سوسیالیسم و جنبش‌های رهایی بخش ملی، خود را برای آغاز این جنگ آماده می‌کند. امپریالیسم، بگونه‌ای دیوانه‌وار و بیش از پیش بدنبال تولید و استقرار سلاحهای جدید است و این مسابقه را حتی به فضا نیز کشانده است. اما مبارزه در راه صلح و زندگی، هیچ مرزی نمی‌شناسد و اکنون به جنبشی همه گیر که بسیاری از کشورهای جهان را شامل می‌شود، بدل شده است. این جنبش، امپریالیستهای جنگ طلب را تحت فشار قرار داده است. باید متذکر شد امپریالیسم بر خلاف میل خود، که خواهان اشغال کوبا، شاپودی

مسئولگی کوشش می‌کند، تلویش را بیشتر از بقیه پاره کند تا "ایمانش" و "مکتبی" بودنش ثابت شود، در عرصه قدرت باقی بماند و بالاتر بجزد. چاپلوسی و تملق گویی، یکی از تمهای ثابت تبلیغاتی نهادها و وزارتخانه‌هاست. کافی است خمینی و یا یک نفر دیگر از چند عنصر اصلی رژیم لب بترکاند، تا موجی از اطلاعیه‌های پشتیبانی به راه افتد.

علاوه بر یک سری سازمانهای تبلیغاتی ریز و درشت وابسته به هر نهاد دولتی، یک وزارتخانه و چند سازمان تبلیغاتی مستقل نیز وجود دارند، که بودجه هنگفتی به خود اختصاص داده‌اند. این نهادها، تبلیغات خارج از کشور جمهوری اسلامی را نیز بر عهده دارند. پول بسیار زیادی از جانب آنها، صرف چاپ و پخش کتابها، مجله‌ها و بروشورهایی به زبانهای خارجی می‌شود، که مطلقاً خواننده ندارند.

برخی از ارگانهای تبلیغاتی رژیم چه مستقل و چه وابسته به نهادهای دیگر - گاه فراتر از یک انجمن یا سازمان آوازه‌گر عمل می‌کنند. بعضا به نظر می‌رسد که آنها یک حزب سیاسی هستند. برخی از آنها اقرار و زایددهای حزب فراگیر جمهوری اسلامی‌اند و برخی دیگر، نقش مستقل تری را ایفا می‌کنند. آنها در رابطه با حوادث مختلف، چه در صحنه سیاست داخلی و چه در عرصه جهانی موضع می‌گیرند، در انتخابات به نفع این یا آن کاندیدای وارد کارزار تبلیغاتی می‌شوند و بودجه هنگفتی را صرف بیرون آوردن آنها از صندوق می‌سازند. ●

ادامه دارد

و مطایبی و اشاعه "هنری" عزادار، بی‌مایه، کهنه، خردستیز، ناپه‌نچار، زیبایی ستیز، قالبی و شعاری است.

هتنام با همامت شدن و یکپارچه شدن ارگانهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم، اعمال کنترل بر روی رسانه‌های گروهی از یک مرکز معین شدیدتر، شریفت و دقیقتر شده است. اکنون همه رسانه‌های گروهی، همزمان بر روی یک تم تبلیغاتی کار می‌کنند و به شکل سنجیده و حساب شده‌ای برای جا انداختن موضوعات تعیین شده، دست به تبلیغ می‌زنند. جمهوری اسلامی در این عرصه توانایی شگرفی از خود نشان داده است.

ارگانهای تبلیغاتی رنگارنگ

دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی فقط منحصر به سیستم آموزشی کلاسیک و رسانه‌های هتنامی نیست. هر یک از نهادهای رژیم نیز دارای ارگان تبلیغاتی ویژه خویش است. اکثر ادارات دولتی کلاسهای ویژه‌ای برای "بازسازی عقیدتی" کارکنان خود دارند. شرکت در اکثر این کلاسها اجباری است و غیبت در آنها، موجب جریمه و اخراج می‌شود. پخش از بودجه هر نهاد و اداره دولتی، صرف انتشار یک ارگان و یا چاپ و پخش اطلاعیه‌ها و پوستره‌های تبلیغی می‌گردد. در این عرصه، چشم و هم چشمی و رقابت عجیبی بین قدرت‌طلبان و تازه به دوران رسیده‌ها، رواج دارد. هر وزیر، وکیل، رئیس، مدیر کل و مقام

اهل مهابه رژیم، برای ایفای کارکرد ایدئولوژیک آن است. روزنامه‌ها، مجلات، بنگاههای انتشاراتی قوی از نظر مالی و تدارکاتی، رادیو و تلوویزیون و اکثر قریب به اتفاق سینماها، تئاترها و کارگاههای هنری، در انحصار رژیم و در حوزه اقتدار آنند. استفاده از این وسایل، عموماً یکی از موضوعات درگیری جناحها در عرصه قدرت بوده و هنوز نیز هست.

این وسایل به همراه امکانات تبلیغی سنتی، بنگاه‌گومایی هستند، برای رواج اندیشه‌های ارتجاعی و فوق ارتجاعی، عوام‌فریبی، شانناژ، تحریک احساسات پاک مذهبی بخشی از مردم، توهین به علم و فرهنگ و آداب و رسوم ملی، و بالاخره تبلیغ علیه سیاست، برنامه و ایدئولوژی سازمانهای انقلابی، بویژه سازمانهای معتقد به سوسیالیسم علمی.

زبان این رسانه‌ها، تا سرحد امکان مبتذل، مسخره و شارلاتان مابانه است. شکلهای تبلیغی آنها مضحک، تکراری، کلیشه‌ای، جامد، سرد و دور از هر گونه درک زیبایی شناسانه است. در اکثر اوقات در آنها از شکلهای تبلیغاتی سنتی به همراه تکنیکها و امکانات مدرن استفاده می‌شود و ترکیبهای خنده آوری ایجاد می‌گردد. مضمون نوشته‌ها و برنامه‌های این رسانه‌ها عمدتاً "مسئله گویی"، "عزاداری"، رواج "روحیه شهادت طلبی" برای تداوم جنگ، تبلیغات دولتی، کمونیسم ستیزی، پخش خبر و تفسیرهای خبری، به نقل از بنگاههای خبر برکنی امپریالیستی، ترویج فلسفه و اندیشه‌های قرون

پیشنهاد های اخیر اتحاد شوروی در زمینه خلع سلاح

بالیستیک، بمب افکن های حامل سلاح هسته ای و زیر دریائی های حامل سیستم های موشکی هسته ای می باشند.

ابتکارات و پیشنهادات اخیر اتحاد شوروی بیانگر احساس مسئولیت عمیق این کشور در قبال سرخوش بشریت است. این ابتکارات، در سراسر جهان مورد استقبال قرار گرفت. اتحاد شوروی با پیشنهاد کاهش ۵۰ درصد سلاح های استراتژیک مشروط بر جلوگیری از نظامی شدن فضاء دولت ریگان را در اذهان عمومی در معرض یک آزمایش سخت قرار داده است. مفسرین مطلوب و رسانه های گروهی جهان، اظهار عقیده کرده اند که ابتکار جدید اتحاد شوروی، چشم اندازهای تازه ای را در مذاکرات خلع سلاح گشوده است. ●

اتحاد شوروی در ضمن اعلام کرد که حاضر است در زمینه تحدید و کاهش موشک های میان برد، با دو کشور انگلیس و فرانسه، بطور جداگانه مذاکره نماید. لازم به تذکر است که سیاست ناتو در مذاکرات پیرامون تحدید موشک های میان برد مستقر در خاک اروپا، همواره بر این بوده است که موشک های مستقر در خاک فرانسه و انگلیس را در خارج از چارچوب ناتو طرح نماید.

نکته برجسته دیگر پیشنهادات اتحاد شوروی، همانا کاهش ۵۰ درصد سلاح های استراتژیک می باشد. سلاح های استراتژیک به آن دسته از سلاح هایی اطلاق می شود که مستقیماً قلمرو دو کشور اتحاد شوروی و آمریکا را نشانه گرفته است. سلاح های استراتژیک هسته ای شامل موشک های

پیشنهادات اتحاد شوروی، بی گمان کام بزرگ دیگری در راستای حل مسائل مربوط به خلع سلاح و جلوگیری از خطر وقوع یک جنگ هسته ای به حساب می آید. رهبر اتحاد شوروی در ملاقات خود با نمایندگان پارلمان فرانسه، این پیشنهادات مهم را که پیرامون جلوگیری از میلیتاریزه شدن فضاء، تحدید سلاح های استراتژیک و میان برد است، مطرح نمود. رؤس پیشنهادات بر اهمیت اتحاد شوروی عیارتند از:

- جلوگیری از میلیتاریزه شدن کیهان در صورت حصول توافق پیرامون امتناع از نظامی کردن کیهان، اتحاد شوروی و ایالات متحده تا ۵۰ درصد سلاح های هسته ای و استراتژیک خود را کاهش دهند.
- مذاکره ویژه و میزبان بر سر تحدید و کاهش سلاح های میان برد.

میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در هفته گذشته بنا به دعوت فرانسوا میتران رئیس جمهوری فرانسه، واژه پاریس شده و در فرودگاه ارلی مورد استقبال میتران قرار گرفت. این دیدار بر اهمیت، اولین بازدید رهبر اتحاد شوروی از یک کشور غربی، پس از گزینش وی به ست دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی است، و از اینرو وسیعاً در رسانه های گروهی جهان بازتاب یافته است.

میخائیل گارباچف در سخنرانی های خود در پاریس، بر مسئولیت همه کشورها و از جمله فرانسه، در زمینه حفظ صلح و امنیت اروپا و جهان تأکید کرد و پیشنهادات مهم و جدید اتحاد شوروی را در زمینه خلع سلاح و تحدید سلاح های هسته ای، اعلام نمود.

دبیر کل حزب سوسیالیست استرالیا ●●●

بقیه از صفحه ۱۳

خطر جنگ نظروشن داشته باشد تا بتوان از جنگ هسته ای جلوگیری کرد. با این همه، نقطه قوت بزرگ جنبش صلح گسترش کمی آن و شرکت فعال صدها هزار تن در این جنبش است که به ما نوید می دهد جنبش صلح استرالیا نقش مهمی در جنبش صلح جهانی ایفا خواهد کرد.

پرش؛ همانگونه که اطلاع دارید به شصین سال آغاز جنگ ایران و عراق وارد شدیم. نطقاً نظر حزب سوسیالیست استرالیا در باره این جنگ را بیان دارید. ارتها؛ این جنگ با مسئله حفظ صلح جهانی چیست؟

پاسخ؛ انقلاب ایران که مردم آن را با دست خالی انجام دادند، رژیم شاه و ساواک را با همه قدرت نامرئی اش سرنگون کرده و مواضع امپریالیسم آمریکا را عمیقاً لرزه در آورد. این، یک امر مهم است که در تحلیل علل آغاز جنگ ایران و عراق باید آن را در نظر داشت. همچنین جنبش رو به رشد خلق های عرب علیه امپریالیسم و بطور مشخص علیه تجاوزگران صهیونیست و ارتجاع منطقه، نیز از عواملی است که باید جای خود را در تطویل ما حفظ کند. نمونه هایی از عقب نشینی در این جنبش می توان دید اما باید گفت

سازمان که در شرایط مبارزه مخفی و اختناق شدید به پیکار خود ادامه می دهند، شایسته احترامی عمیق است.

پرش؛ در پایان، چه پیامی برای مردم ما در مبارزه شان علیه جنگ دارید!

پاسخ؛ آرزومندیم این جنگ خونین هر چه زودتر قطع شود تا جنگ و کشتار پایان یابد! آرزومندیم تا مادران دیگر فرزندان خود را از دست ندهند، آرزومندیم زندانها از همه قهرمانانی که عشق به میهنشان را برتر از هر چیز قرار داده اند، خالی شود. استرالیا از ایران فاصله زیادی دارد و در شرایط بکلی متفاوتی بسر می برد. اما در عین حال، ما دشمن مشترک و هدف اصلی مشترکی داریم. اهداف اصلی برنامه ما نیز تحقق صلح، استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی است.

ما آرزو می کنیم سرکوب فدائیان (اکثريت) و توده ایها هر چه زودتر پایان یابد. امیدواریم فدائیان و توده ایها بتوانند نقش خود را در رهبری توده های مردم و جنبش انقلابی که در سرنگونی رژیم شاه نقش تاریخی ایفا کرد، ادا نمایند و سرانجام قادر گردند صلح و سعادت، آزادی و پیشرفت اجتماعی، استقلال و سرپلندی ایران در جامعه مثل را همانگونه که شایسته تاریخ طولانی و شکوهمند مردم ایران است، به ارمغان آورند ●

مخالف جنگ اعمال می شود، آکامیم. این جنگ همچنین سرکوب خلق کرد در ایران، عراق و ترکیه را شدت بخشیده است. تنها امپریالیستها خواهان ادامه این جنگ هستند، به ویژه امپریالیسم آمریکا که ادامه جنگ منافع سیاسی و اقتصادی آن را تأمین می کند.
ما با همه کسانی که برای پایان دادن به این جنگ بی معنای کوشند همراهیم.

پرش؛ رفیق سیمون، شما با شرایطی که در میهن ما حاکم است، آشنایی دارید. موقعیت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران را در مبارزه خلق در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی چگونه می بینید؟

پاسخ؛ ما خوشوقتی خود را از همکاری نزدیک میان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ابراز می داریم. این امر در خدمت تقویت هر دو سازمان و گامی در جهت نیرو بخشیدن به جنبش رو به گسترش توده هاست. امیدواریم این

اتحاد مستحکم تر گردد و رهبری مبارزه مردم علیه جنگ و سرکوب و برای صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را تأمین کند. برای برقراری جمهوری مکرانیک منی، راه دیگری جز اتحاد نیروهای دمکرات و مردمی نیست. شجاعت و ایمان انقلابی بیمانند اعضای هر دو

حرکت کلی آن به ست جلو است. امپریالیسم در طی سالها برتری خود را در منطقه از دست داده است. بنابراین تردیدی نیست شروع جنگ ایران و عراق به تحریک امپریالیسم آمریکا و در خدمت هدف آنها دایر بر به عقب باز گرداندن جنبش ملی و انقلابی، نه تنها در این دو کشور، بلکه در کل منطقه خاورمیانه بود.

از نتایج این جنگ، شکست انقلاب مردم ایران، قدرت گرفتن نیروهای بورژوازی ضد انقلابی و شوینیست در حکومت و خیانت آنان به آرمانهای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی که عوامل اصلی به حرکت در آوردن توده های مردم ایران علیه رژیم شاه بوده اند، است. بورژوازی بزرگ و زمینداران کلان که از ادامه جنگ سود می برند، با امپریالیستها که تأمین کننده اسلحه برای دو طرف هستند، رابطه برقرار کرده و قدرت خود را تحکیم نموده اند.

روند مشابهی نیز در عراق تحقق یافته است. رژیم فاشیستی صدام حسین با استفاده از این جنگ موقعیت خود را تثبیت کرده است.

در هر دو کشور سرکوب خلق ها به شدت چریان دارد. ما از جنایاتی که در زندانها علیه اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای دمکرات و مردمی

نیکلای ریشکوف

نخست وزیر اتحاد شوروی شد



بنا به تصمیم هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، نیکلای ریشکوف، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به سمت صدر شورای وزیران اتحاد شوروی منصوب گشت. نیکلای تیخونوف که تاکنون این سمت را بر عهده داشت، بنا به تقاضای خود به علت وضع سلامتی اش از ادامه انجام وظایف نخست وزیر معاف گردید.

پیشنهاد انتصاب نیکلای ریشکوف را میخائیل گارباجف از سوی دفتر سیاسی حزب در جلسه هیات رئیسه شورای عالی مطرح ساخت. هیات رئیسه با پیشنهاد وی به اتفاق آراء موافقت کرد. قبلا آندره گرومیکو صدر هیات رئیسه تقاضا نامه نیکلای تیخونوف برای بازنشستگی را قرائت کرده بود. وی در این تقاضا نامه تاکید کرده است در آینده نیز آماده خواهد بود تا در حد توان خویش وظایف محوله را انجام دهد.

نیکلای ریشکوف در ۱۹۲۹ بدنیآ آمد. وی از سال ۱۹۵۶ عضو حزب کمونیست اتحاد شوروی است. ریشکوف در سال ۱۹۸۱ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و سال بعد، کمیته مرکزی او را به عنوان یکی از دبیران خود برگزید. در بهلولوم آوریل امسال، ریشکوف به عضویت دفتر سیاسی درآمد.

حمله هوایی جنایتکارانه اسرائیل

به مقر "ساف" در تونس

سه شنبه گذشته، هشت هواپیمای جنگی نیروی هوایی اسرائیل، مقر سازمان آزادیبخش فلسطین واقع در حومه شهر تونس (پایتخت کشور تونس) را بمباران کردند. در این یورش جنایتکارانه، ۱۵۶ نفر کشته و مجروح شدند.

سازمان آزادیبخش فلسطین طی بیانیه ای اعلام کرد هواپیمای اسرائیلی با بمب و موشکهای هوا به زمین ساختمان "ساف" را که اقامتگاه پاسرعرفات رئیس کمیته اجرایی نیز در آن واقع است، مورد حمله قرار دادند. منازل مسکونی خانواده های فلسطینی و تونسوی بمباران شد. در بیانیه آمده است در میان قربانیان، زنان و کودکان نیز دیده می شوند. پاسرعرفات هنگام حمله در مقر "ساف" حضور نداشت. پس از بمباران، آتش سوزی گسترده ای

منطقه را در بر گرفت. ساختمانهای زیادی بر اثر اصابت بمبهای ۵۰۰ کیلویی ویران شدند.

حمله جنایتکارانه اسرائیل در سراسر جهان موجی از خشم و انزجار برانگیخت.

خاویر پیرز و کوئیبار، دبیر کل سازمان ملل متحد اقدام تجاوزکارانه صهیونیستها را بعنوان نقض تمامیت ارضی یک کشور عضو سازمان ملل محکوم نمود.

سه شنبه گذشته تونس خواستار فرخواندن فوری شورای امنیت سازمان ملل متحد شد. نمایندگان کشورهای غیر متعهد در مجمع عمومی ملل متحد خواستار اعمال مجازاتهای لازم الاجرا و همه جانبه علیه اسرائیل شدند.

دولت آمریکا برخلاف تقریباً تمامی کشورهای دیگر، از جنایت جدید اسرائیل حمایت کرد. سخنگوی کاخ سفید این عمل را "اقدامی مشروع" و "دفاع از خود" نامید. رادیو تونس گزارش داد هواپیمای اف-۱۶ اسرائیل احتمالاً از یک ناو-



خرابه های به جامانده از حمله هوایی اسرائیل

هواپیمای آمریکایی برخاسته اند.

دولت اسرائیل با وقاحت تمام ضمن طرح ادعای مسخره "عمل انتقامی" در قبال "حملات تروریستی"، سخن از "حمله به دوردست ترین نقطه" به میان آورد. حزب کمونیست اسرائیل در نخستین موضعگیری خود، اقدام دولت این کشور را ناقص حقوق بین الملل و رفتار ملل متقدم دانست.

افراطیون مذهبی لبنان

یک دیپلمات شوروی را به قتل رساندند

هفته گذشته پس از آنکه چهارتن از کارکنان سفارت شوروی در بیروت توسط یک سازمان افراطی مذهبی ماورا راست رهبر شده، دولت اتحاد شوروی اعلام کرد یکی از رهبره شدگان به قتل رسیده است. تا لحظه تنظیم خبر، سه دیپلمات دیگر هنوز در دست جنایتکاران بودند. در بیانیه دولت شوروی، عمل ننگین قتل دیپلمات شوروی به شدت محکوم شده و خواست آزادی فوری سه شهروند دیگر شوروی مورد تاکید قرار گرفته است. بیانیه می افزاید تاخیر در آزادی این سه نفر و یا حتی اعمال خشونت در مورد آنان تنها گناه مسئولین این امر را سنگین تر خواهد کرد.

در بیانیه دولت شوروی خاطر نشان گردیده "ریشه اصلی ناآرامیهای داخلی در لبنان که اینک شهروندان شوروی نیز به قربانیان بیگناه آن افزوده شده اند، اسرائیل است که بطور حساب شده به این ناآرامیهای داخلی دامن می زند." در بیانیه آمده است "اسرائیل باید پاسنگوی عواقب سیاست خود باشد، اما این امر مسئولیت آنهایی را که عوامل و مجریان بلافضل جنایت علیه شهروندان شوروی هستند، کم نمی کند."

قتل دیپلمات شوروی، صفحه ای دیگر بر کارنامه سیاه مرتجعین افراطی مذهبی است که تحت حمایت رژیم خمینی قرار دارند. این بار نیز، جمهوری اسلامی که موقعیت دوستان مرتجع خود را بر اثر موفقیتهای نیروهای ترقیخواه لبنان در پراپانس در خطر می بیند، در پوشش "میانجینی گری" وارد میدان شده و حتی هیاتی به پاریس فرستاده است. این در حالی است که اخیراً مقامات رژیم خمینی زیر پرچم "وحدت شیعه و سنی" تلاشهایی را برای نزدیک کردن مرتجعین شیعه با افراطیون سنی در لبنان سازمان داده اند و گزارشهایی حاکی از افزایش کمکهای تسلیحاتی و مالی جمهوری اسلامی به این دستجات انتشار یافته.

افزایش کلاهکهای هسته ای آمریکا

در ترکیه

مطبوعات ترکیه به نقل از منابع آمریکایی می نویسند در حال حاضر ۵۰۰ کلاهک هسته ای آمریکایی که توسط موشک حمل می گردد، در خاک ترکیه مستقر است. از دو سال پیش بدین سو، این سیستمها در حالت آماده باش دائم به سر می برند.

روزنامه حریت می نویسد واحدهای هوایی مامور حمل این کلاهکها هر لحظه آماده عملیات هستند. افزایش حضور نظامی هسته ای آمریکا در ترکیه تا حدی است که حتی مطبوعات مجاز ترکیه نیز از این بابت ابراز نگرانی می کنند. یک روزنامه ترکیه نوشته است "افزایش حضور نظامی هسته ای ترکیه به سطح تجاوزکارانه ای رسیده است" و وجود سلاحهای هسته ای در خاک این کشور مسائل جدی برای آن به وجود می آورد.

کاهش تشنج در ایالت پنچاب هند

هفته گذشته انتخابات ایالتی پنچاب هندوستان که طی آن پارلمان محلی این ایالت برگزیده شد، انجام گرفت. در این انتخابات حزب "آکالی دال" که در میان گروههای سیک، مشی معتدلی را دنبال کرده و خواهان حل مسالمت آمیز مسائل پنچاب با همکاری دولت مرکزی هند است، ۷۰ کرسی از ۱۱۵ کرسی پارلمان ایالتی را بدست آورد. ۶۰ درصد واجدین شرایط در انتخابات ایالتی پنچاب شرکت کردند. این میزان بالای مشارکت در رای گیری نشان می دهد که دعوت افراطیون سیک به تحریم انتخابات مورد استقبال قرار گرفته است.

در آستانه انتخابات، افراطیون تحت حمایت آمریکا برای ناآرام کردن پنچاب دست به اقداماتی زده بودند.

اما نتیجه انتخابات پنچاب از سوی ناظران سیاسی بعنوان بازتاب تمایل عمومی در این ایالت مبنی بر ادامه روند تقاضای قلمداد گردید.

بیانیه مطبوعاتی پیرامون دیدار هیأت‌های نمایندگی حزب کمونیست یونان و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در تاریخ ۱۵ سپتامبر دو هیأت نمایندگی از حزب کمونیست یونان به سرپرستی رفیق ژرتری کالینوس و از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به سرپرستی رفیق مهدی فتاپور، با یکدیگر دیدار نمودند. در پایان این دیدار که در فضایی بسیار رفیقانه و سرشار از روحیه همبستگی انترناسیونالیستی برگزار شد، بیانیه مطبوعاتی انتشار یافت. این بیانیه در شماره ۱۹ سپتامبر روزنامه "ریزوسپاستیس" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان درج شده است. متن بیانیه چنین است:

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به سرپرستی رفیق ژرتری کالینوس، با هیئت نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به سرپرستی رفیق مهدی فتاپور، عضو هیئت سیاسی سازمان، دیدار کرد.

در این دیدار، پیرامون اوضاع دو کشور و فعالیت‌های دو حزب تبادل اطلاعات انجام پذیرفته و در باره شرایط بین‌المللی تبادل نظر صورت گرفت. رفیق فتاپور، هیئت نمایندگی حزب کمونیست یونان را از مبارزه مردم ایران بر علیه جنگ ایران و عراق و در راه آزادی زندانیان سیاسی و کسب حقوق دمکراتیک خویش آگاه ساخت. به همین مناسبت، هیئت یونانی بار دیگر همبستگی خویش را با مردم ایران و نیروهای میهن پرست آن در مبارزه دشواری که انجام می‌دهند، ابراز داشت. هر دو هیئت نمایندگی، ادامه جنگ ایران و عراق را که تنها در خدمت نقشه‌های ماجراجویانه امپریالیسم در این منطقه حساس قرار دارد قاطعانه محکوم کردند. هر دو هیئت نمایندگی، بر خواست مشترکشان مبنی بر تشدید مبارزه در راه آرمان صلح و علیه سیاست‌های تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا و ناتو در این منطقه و در سراسر جهان بار دیگر تاکید کردند. ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۵ ژرتری کالینوس، مهدی فتاپور

با وجود آغاز سال تحصیلی تخلیه مدارس همچنان ادامه دارد

شورای عالی قضائی، با استناد به یکی از قوانین مصوبه در رژیم گذشته، تخلیه مدارس اجاره‌ای را در ماه‌های تیر و مرداد هر سال جایز شمرد. اما در عمل این محدوده دو ماهه نمی‌تواند کار صاحبان مستغلات بزرگ را که مالکان مدارس اجاره‌ای هستند، محدود نماید.

عکسی که در زیر مشاهده می‌کنید، مربوط به دبیرستان دخترانه هاجر است. دانش‌آموزان این مدرسه، روز اول مهر ماه هنگامیکه می‌خواستند نخستین روز درس را آغاز کنند، با درهای بسته دبیرستان روبرو شدند. مالک مدرسه حتی بدون در دست داشتن حکم تخلیه در شب اول مهر خودسرانه میز و نیمکت‌های مدرسه و پرورده‌های دانش‌آموزان را بیرون ریخت و هیچ مقامی هم به او اعتراض نکرد. دانش‌آموزان و والدین آنها در اعتراض به این وضعیت در خارج از مدرسه اجتماعی اعتراضی برپا کردند. عکس زیر این صحنه را تصویر می‌کند.

روند تخلیه مدارس اجاره‌ای و تحویل ساختمان این مدارس به مالکین آن، تاکنون مشکلات بسیاری را برای دانش‌آموزان و والدین آنها ایجاد کرده است. تنها در ماه‌های مرداد و شهریور، نزدیک به ۲۰ مدرسه در شهر تهران تخلیه شده و حکم تخلیه ۲۵ مدرسه دیگر نیز صادر شده است. در صورت اجرای حکم تخلیه این ۲۵ مدرسه، بیش از ۵۰۰ دانش‌آموز دیگر برای ادامه تحصیل خود با مشکلات جدی روبرو خواهند شد. البته بنا به اظهارات مسئولین تعداد درخواست تخلیه‌ای که به آموزش و پرورش و دادگاه‌های مربوطه تحویل شده است، بالغ بر ۱۵۰ مورد می‌شود. مجلس شورای اسلامی در پی اعتراضات فزاینده مردم، بعد از پایان دوره تعطیلی تابستانی، لایحه جلوگیری از تخلیه مدارس را برای مدت ۵ سال تصویب کرد. اما از تصویب این لایحه در مجلس هنوز چند روزی نگذشته بود که مقتدایی سخنگوی



برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگرتقا	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۴	۲۱		

دیگرتقا	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثریت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۸	۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

کم‌های مالی رسیده

۳۰ مارک	یک رفیق افغانی در آلمان فدرال
۷۰۰ افغانی	رفیق بصیر از افغانستان
۲۳ مارک	عباس - مسافری از ایران
۲۰ دلار	رفیق سیما از لوس آنجلس (آمریکا)
۵۰ فرانک	مهرنوش از بهاریس
۱۵۰ فرانک	یک رفیق از نانت
۱۰۰ فرانک	یک رفیق از کرنویل
۱۰۰۰ کرون	دورفیک فدایی از اسپالا
	رفیق حبیب از افغانستان هدیه شمارسید
	ر. شهریار از ایران هدیه شمارسید.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

AKSARIYAT
NO. 77

MONDAY OCT 7 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

AUSTRIA - WIEN

BAWAG: حساب بانکی:

NR. 029 10701-650

DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی

یاری دهید!